

انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی با
همکاری مرکز توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور
برگزار می‌کند

ISC
ISLAMIC STUDIES CONFERENCE



انجمن علمی قرآن و حدیث



هم نخستین انجمن علمی استادان علوم قرآن حدیث

۳۰ اردیبهشت ماه - ساعت ۹ لغایت ۱۶
تهران - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



آموزش

ضرورت‌نوسازی متون درسی
شیوه‌های تدریس و نقد و بازنگری
چالش‌های آموزشی
پیوندهای آموزشی میان اساتید

پژوهش

روش‌های نو و ملاحظات میان‌رشته‌ای
نقش هوش مصنوعی در پژوهش‌ها
پیوندهای پژوهشی میان اساتید
چالش‌های پژوهشی

آیند پژوهی

روش‌های استخراج الگوهای آینده‌نگر
از قرآن و حدیث
جایگاه آینده‌پژوهی در سنت اسلامی
الهام‌بخشی از تجربه‌های موفق آینده
پژوهی در علوم دیگر
پیوندهای علمی اساتید و نخبگان در
موضوع آینده‌پژوهی

اشتغال

آسیب‌شناسی هر آینده‌چند هیئت علمی
چالش‌های اشتغال
پیوندهای شبکه‌ای میان اساتید

دبیر علمی

دکتر محسن قاسمی‌پور راوندهی

دبیر اجرایی

دکتر زهرا مشارقی
دکتر احمد قرآنی سلطانی آبادی
دکتر روح الله محمدعلی‌نژاد عمران

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

اعضای کمیته علمی		
دکتر محسن قاسم پور راوندی	استاد دانشگاه علامه طباطبائی (دبیر علمی)	1
دکتر فروغ پارسا	استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اسلامی (رئیس انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی)	2
دکتر عبدالهادی فقهی زاده	استاد دانشگاه تهران	3
دکتر محمود واعظی	دانشیار دانشگاه تهران	3
دکتر سهیلا جلالی کندری	دانشیار دانشگاه الزهرا (س)	4
دکتر سیدرضا مودب	استاد دانشگاه قم	5
دکتر محمدرضا حاج اسماعیلی	استاد دانشگاه اصفهان	6
دکتر نصرت نیلساز	دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	8
دکتر مرضیه محمص	دانشیار دانشگاه شهید بهشتی	9
دکتر کرم سیاوشی	دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان	10
دکتر قرایی سلطان آبادی	دانشیار دانشگاه رفسنجان	11
دکتر مصطفی عباسی مقدم	دانشیار دانشگاه کاشان	12
دکتر فاطمه حاجی اکبری	دانشیار دانشگاه کوثر بجنورد	13
دکتر مرتضی سلمان نژاد	دانشگاه امام صادق (ع)	14
دکتر سهیلا پیروز فر	دانشگاه فردوسی مشهد	15

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

به کوشش: دکتر زهرا بشارتی (عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

ویراستار علمی: دکتر بهاره مظاهری طهرانی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

فهرست مطالب

مقدمه..... 7

آموزش..... 13

رشته ی علوم قرآن و حدیث، ابهام در عنوان و گستردگی در محتوا..... 14

جایگاه «فرآیند ارزشیابی» در توسعه کفایت حرفه‌ای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث..... 17

بازنگری در سرفصل رشته علوم قرآن و حدیث: ضرورت انطباق با نیازهای بازار کار و تقویت

مهارت‌های پایه..... 20

آسیب شناسی شکاف میان دانش نظری و کاربرد عملی در میان دانش آموختگان علوم قرآن و

حدیث..... 22

بازمهندسی نظام آموزشی علوم قرآن و حدیث: از دانش نظری به مهارت جامعه‌محور..... 26

ارزشیابی دوره‌های آموزش قرآن و حدیث در تربیت معلم: رویکردی تلفیقی به دانش، مهارت و

هویت حرفه‌ای..... 29

دیجیتالیسم در آموزش و فهم تمثیلی مفاهیم توحیدی قرآن کریم با زبان باینری..... 33

پژوهش..... 38

روش تعامل متن دینی با دانش بشری..... 39

مطالعات میان رشته ای قرآن و حدیث: گامی به سوی کاربردی سازی آموزه های دینی..... 41

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

- 43 ضرورت بازنگری در سیاست‌های مجلات علمی کشور: مطالعات قرآن و حدیث
- 46 آسیب‌شناسی آکادمیای معاصر مطالعات قرآن و حدیث در ایران
- 48 شبکه‌های پویای انتقال تجربه در مطالعات دینی: الگویی برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی
- کاربست هوش مصنوعی در تحلیل رایانشی و مدل‌سازی نظام‌مندی‌های مفهومی قرآن کریم با
- 50 تأکید بر مطالعات اسلامی دیجیتال و کمی‌سازی داده‌های کیفی
- 55 فهم و نقد نصوص دینی در فرآیند سه‌گانه تحلیل
- 57 تبیین ضرورت توجه به مطالعات تطبیقی در علوم قرآن و حدیث
- هوش مصنوعی و تحول روش پژوهش در علوم قرآن و حدیث: فرصت‌ها، مخاطرات و چالش‌های
- 60 معرفت‌شناختی
- 64 مهارت مسئله‌یابی؛ حلقه‌ای مفقوده در فرآیند پژوهش دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث
- 67 اشتغال**
- 68 الهیات کارآفرین و تجارب بین‌المللی
- سنجش اثربخشی دوره‌های آموزشی بر آینده‌شغلی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان علوم قرآن و
- 70 حدیث
- میان‌رشته‌ای‌سازی در الهیات با تأکید بر «مترجمی متون اسلامی»: تحولی آموزشی در راستای
- 74 پاسخگویی به نیازهای بازار کار
- پیوند رشته علوم قرآن و حدیث و علم رسانه؛ ترمیم فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان رشته علوم

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

قرآن و حدیث..... 76

آینده پژوهی..... 80

جایگاه آینده پژوهی در سنت اسلامی..... 81

تحولات جهانی و منطقه‌ای و آینده پژوهی مطالعات قرآن و حدیث..... 85

ارائه چارچوب فهم آینده‌نگر قرآن کریم بر پایه روش‌های آینده‌پژوهی: رویکردی نو در آموزش

علوم قرآن و حدیث..... 87

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

مقدمه

دانشگاه به مثابه نهاد و مرکزی برای آموزش در سطوح عالی دانش‌های مختلف بی‌تردید در تمدن‌های کهن شرقی نظیر چین، هند و ایران شکل گرفته است. در واقع گزارش‌های تاریخی دانشگاه شانگیانگ در چین را که ۲۱ سده پیش از میلاد تأسیس شده، قدیمی‌ترین دانشگاه می‌دانند. دانشگاه نالاندا در ایالت بیهار هند، تأسیس قرن ۵ میلادی و آکادمی افلاطون، تأسیس ۳۸۷ قبل از میلاد نیز در شمار دانشگاه‌های متقدم بیان شده‌اند. با این همه نظام دانشگاهی مدرن در دانشگاه‌های سده میانه اروپا ریشه دارد که نخستین بار در ایتالیا تأسیس شدند. در واقع دانشگاه ماگنورا قدیمی‌ترین دانشگاه اروپایی است که در سده نهم میلادی در قسطنطنیه تأسیس شد.

دانشگاه‌ها در طی سده‌های متمادی برای برآورده کردن نیازهای جامعه تحول پیدا کرده‌اند و مفهوم نسل‌های دانشگاهی را شکل داده‌اند که هریک مأموریت و اهداف متفاوتی دارد. نگاهی اجمالی به اهداف و مأموریت‌های نسل‌های دانشگاهی، تمایز و عمق تحولات دانشی را کاملاً نشان می‌دهد.

دانشگاه‌های نسل اول؛ دانشگاه‌های مربوط به قرون وسطی تا قرن ۱۸ بوده‌اند که آموزش و تربیت افراد مأموریت اصلی آنها بوده است. هدف اصلی دانشگاه‌های نسل اول، آموزش و تربیت متخصصان بود. در این دانشگاه‌ها بیشتر رشته‌هایی مثل الهیات، فلسفه، حقوق و پزشکی تدریس می‌شد. به طور خاص دانشگاه بولونیا (تأسیس ۱۰۸۸)، دانشگاه آکسفورد، دانشگاه پاریس (سوربون) در شمار دانشگاه‌های نسل اول هستند.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

دانشگاه‌های نسل دوم از سده ۱۹ شروع شده‌اند. مأموریت اصلی این دانشگاه‌ها علاوه بر آموزش، پژوهش و تولید علم بود. در واقع این دانشگاه‌ها به مکانی برای تحقیقات علمی و نوآوری‌های علمی تبدیل شدند. نمونه دانشگاه نسل دوم دانشگاه هومبولت برلین (تأسیس ۱۸۱۰) است.

دانشگاه‌های نسل سوم از اواخر سده ۲۰ به این سو پدید آمدند که مأموریت اصلی آنها پژوهش، آموزش و مشارکت در رشد اقتصادی و نوآوری بود. این دانشگاه‌ها علاوه بر آموزش و پژوهش، به نوآوری و کارآفرینی توجه ویژه‌ای دارند. این دانشگاه‌ها با صنعت و اقتصاد همکاری کرده و تلاش می‌کنند که نتایج تحقیقات خود را به بازار منتقل کنند. آن‌ها نقش مهمی در اقتصاد دانش‌بنیان دارند. دانشگاه MIT (مؤسسه فناوری ماساچوست)، دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه شهید بهشتی از نمونه‌های موفق هستند. دانشگاه‌های نسل چهارم در قرن ۲۱ ظهور کرده‌اند و مأموریت اصلی آنها مقابله با چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، سلامت و عدالت اجتماعی است. در واقع این دانشگاه‌ها بر مسائل بین‌رشته‌ای و بین‌المللی تمرکز دارند و در کنار آموزش و پژوهش، به توسعه پایدار، مسئولیت اجتماعی و حل مشکلات جهانی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری و بحران‌های بهداشتی توجه دارند.

دانشگاه‌های نسل پنجم از اواسط قرن ۲۱ به بعد با شعار دیجیتال‌سازی، یکپارچگی جهانی و آموزش تطبیقی پدید آمدند. در واقع مأموریت اصلی آنها ترکیب تکنولوژی‌های دیجیتال، آموزش شخصی‌سازی شده، همکاری جهانی و پاسخگویی به تغییرات سریع جامعه و فناوری است. دانشگاه‌های نسل پنجم بر چند امر مهم تمرکز دارند:

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

- ارتباطات پیشرفته: این دانشگاه‌ها از پلتفرم‌های دیجیتال پیشرفته، هوش مصنوعی (AI) و تحلیل داده‌ها برای ارائه آموزش شخصی‌سازی شده استفاده می‌کنند. همچنین دوره‌های آنلاین و هیبریدی ارائه می‌دهند تا نیازهای دانشجویان مختلف را برآورده کنند.
 - شبکه‌های جهانی: دانشگاه‌های نسل پنجم به بخشی از اکوسیستم‌های جهانی دانش تبدیل شده‌اند. آن‌ها با سایر دانشگاه‌ها و صنایع در سطح بین‌المللی همکاری می‌کنند و مسائل فراملی را حل می‌کنند.
 - یادگیری مادام‌العمر: این دانشگاه‌ها بر روی آموزش مادام‌العمر تمرکز دارند و نه تنها به دانشجویان سنتی بلکه به حرفه‌ای‌ها و افراد جامعه نیز خدمات آموزشی ارائه می‌دهند.
 - تأثیر اجتماعی: این دانشگاه‌ها نقش فعالی در شکل‌دهی به جامعه دارند و به موضوعاتی مانند برابری، شمول اجتماعی و تحول اجتماعی توجه ویژه دارند.
 - استفاده از AI در پژوهش: در پژوهش‌های این دانشگاه‌ها از هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین برای تسریع کشف و نوآوری استفاده می‌شود.
- این نسل‌ها نشان می‌دهند که دانشگاه‌ها به مرور زمان چگونه به نیازهای جامعه و تغییرات فناوری واکنش نشان داده و مأموریت‌های خود را گسترش داده‌اند. جوامع امروزی به طور فزاینده به سمت جوامع دانش بنیان حرکت می‌کنند، نقش دانشگاه‌ها در مسائل اجتماعی، به خصوص مسائل منطقه‌ای و محلی، برجسته تر می‌گردد. دانشگاه‌ها با رشد و توسعه جوامع از موسسات فرعی به موسسات اصلی تبدیل شده‌اند و نقش موتور

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

نوآوری را دارند. توسعه آموزش عالی از ویژگی‌های دنیای جدید در سطح جهانی، ملی و محلی به شمار می‌رود. از این رو، دانشگاه‌های مدرن باید بتوانند ضمن تکامل منطقه‌ای، در رقابت جهانی حضور داشته باشند و به طور فزاینده نقش خود را در هماهنگی نقش آفرینان دولتی و خصوصی در فعالیت‌های نوآوری و توسعه استراتژی‌های منطقه‌ای جهت ایجاد یک چارچوب سازمانی مساعد ایفا نمایند. دانشگاه‌های ایران نیز این تحولات را تجربه کرده‌اند، هرچند میزان تغییر در رشته‌های مختلف علمی متفاوت بوده و تحول در دانش‌های سنتی به صورت محسوسی آهسته‌تر رخ داده است.

رشته علوم قرآن و حدیث به مثابه یکی از گرایش‌های رشته الهیات بحمدلله از حدود ۴ دهه پیش در وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری مصوب شده است. در واقع پیش از این رشته الهیات و معارف اسلامی همه گرایش‌های ۵ گانه را در خود جای داده بود و رشته علوم قرآن و حدیث پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۶۵ به اهتمام مرحوم دکتر سید محمدباقر حجتی در شورای گسترش به تصویب رسیده است. روند گسترش رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه‌های مختلف ایران از آن زمان تا به امروز همچنان در حال افزایش است و علاوه بر دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده‌های علوم قرآنی در سازمان اوقاف، دانشگاه‌های غیر انتفاعی نیز این رشته را راه اندازی کرده‌اند. از سوی دیگر رشد چشمگیر جمعیت دانشجویان این رشته نشان می‌دهد که رشته علوم قرآن و حدیث بسیار بیشتر از گذشته وارد عرصه عمومی شده و بیش از گذشته با نیازها و مطالبات اجتماعی همبستگی یافته است.

این رشته در نیم‌سده اخیر کاملاً دگرگون شده است؛ اکنون افزون بر آموزش و

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

پژوهش، به مطالعات بین‌رشته‌ای، کاربرست هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین، مسائل بین‌المللی و جهانی، مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار نیز توجه ویژه می‌شود.

انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی در راستای راهبردهای علمی و فرهنگی خود برگزاری هم‌اندیشی استادان رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داده است. در واقع گسترش رشته قرآن و حدیث در دانشگاه‌های مختلف، پراکندگی جغرافیایی این رشته در تهران و استان‌های مختلف، افزایش تعداد هیئت علمی در ۴ دهه گذشته، افزایش آثار پژوهشی اعم از پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری، تحولات علمی و آموزشی در عصر حاضر و نیز مطالبات اقتصادی و اجتماعی استادان و دانشجویان این رشته، بر روی هم مسایل مهم و پیچیده‌ای را پدید آورده که پرداختن به آنها ضروری و غیرقابل‌انکار است. این هم‌اندیشی به حول و قوه الهی با اهداف ذیل به کار خود ادامه می‌دهد:

- ارتقای تعاملات علمی استادان و پژوهشگران رشته؛
- توسعه ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی؛
- انتقال تجربیات و دستاوردهای آموزشی و پژوهشی میان اساتید؛
- ارائه ایده‌ها و طرح‌های نو در عرصه علوم قرآن و حدیث؛
- بررسی و ارائه راهکار برای چالش‌های موجود؛
- تبیین فرصت‌های پیش‌رو در مسیر توسعه علوم قرآنی و حدیثی
- ارائه راه حل مسائل و ابهامات موجود در چگونگی کاربرد دانش‌های قرآنی در

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

زندگی.

مسایل آموزشی این رشته و امور مربوط به سرفصل دروس پیش از این با اهتمام مرکز هماهنگی توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور مورد بررسی قرار گرفته، اما در این هم‌اندیشی، افزون بر آموزش، مباحث دیگری نیز مطرح خواهد شد. چهار محور اصلی هم‌اندیشی عبارت‌اند از: «آموزش»، «پژوهش»، «اشتغال» و «آینده‌پژوهی» که هر کدام زیرمحوهای خاص خود را دارند.

جناب مستطاب آقای دکتر محسن قاسم پور دبیری علمی و سرکار خانم دکتر زهرا بشارتی و جناب آقای محمد علی نژاد عمران دبیری اجرایی این هم‌اندیشی را به عهده داشتند. تلاش دست‌اندرکاران این رویداد بر آن بوده که ایده‌ها و دیدگاه‌های استادان این رشته جمع‌آوری گردد و به نوعی ارتباط و مساهمت همگانی در حل چالش‌های رشته فراهم گردد.

من الله التوفيق وعليه التكلان

فروغ پارسا

رئیس انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

آموزش

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

رشته‌ی علوم قرآن و حدیث، ابهام در عنوان و

گسترده‌گی در محتوا

رضا شکرانی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اصفهان

shokrani.r@gmail.com

عنوان هریک از رشته‌های مختلف دانشگاهی و به‌طور خاص علوم اسلامی تعریفی معین و به تبع محتوایی مشخص دارد. برای مثال در رشته فقه به جز ادبیات عرب و منطق که دو دانش مقدماتی برای تمام رشته‌های علوم اسلامی است، یک دوره اصول و یک دوره فقه خوانده می‌شود و انتظار همه از کارشناس و کارشناس ارشد و دکتر فقه مشخص است. همین‌طور است رشته‌ی فلسفه‌ی اسلامی که انتظار از دانشجویان آن در حد کارشناسی به جز آموزش صرف و نحو، با آموختن یک دوره منطق در حد منطق مظفر و کلام در حد تجرید الاعتقاد و فلسفه در حد بدایه یا نهایه تحقق می‌یابد. اما در رشته‌ی علوم قرآن و حدیث، «عنوان علوم قرآن و حدیث» برچه چیزی دلالت می‌کند و محتوای آن چیست؟

می‌دانیم عنوان علوم قرآن بر سه گروه دانش: ۱. علوم للقرآن ۲. علوم عن القرآن یا حول القرآن و ۳. علوم فی القرآن دلالت دارد. اگر علوم للقرآن را به دانستن صرف و نحو، بلاغت و منطق تقلیل دهیم، این علوم در دیگر رشته‌های الهیات تحصیل می‌شود و اگر

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

علوم عن القرآن یا حول القرآن را به دانش های علوم قرآن مصطلح بدانیم، این دانش ها در کتبی مثل الانتقان سیوطی تحصیل می شود (اگرچه تفکیک این گروه از علوم قرآن از قسم سوم یعنی علوم فی القرآن ناممکن است) و گروه سوم علوم فی القرآن است که با عنوان معارف قرآن هم شناخته می شود و هدف از تحصیل دو گروه دانش علوم قرآنی اول، دستیابی به این قسم یعنی معارف قرآن است. اما تمام مشکل و تمام سوال اینجاست: دانشجوی علوم قرآن، دو قسم اول علوم قرآن را می آموزد که به کدام قسم از اقسام علوم فی القرآن یا معارف دست یابد؟

اگر هدف از آموزش معارف قرآن یا علوم فی القرآن مباحث اعتقادی باشد که این وظیفه بر عهده رشته کلام و فلسفه اسلامی است و اگر هدف از آموزش علوم فی القرآن یاد دادن فقه و حقوق اسلامی باشد، این وظیفه رشته فقه و حقوق است. اگر هدف از تعلیم علوم فی القرآن، آموزش اخلاق و عرفان باشد، این نیز وظیفه رشته اخلاق و عرفان است و اگر هدف بحث و بررسی پیرامون تاریخ امم گذشته یا تاریخ صدر دوران نزول قرآن باشد، این نیز وظیفه رشته تاریخ اسلام است. همینطور هر بخش از دیگر معارف قرآن را که بخواهیم به عنوان هدف غایی از رشته علوم قرآن بدانیم، در رشته هایی تخصصی به بررسی و تدریس گذاشته می شود. لذا این سوال همچنان باقیست که وظیفه رشته علوم قرآن و حدیث چیست. اگر بگوییم هدف از رشته علوم قرآن و حدیث آگاهی از آن دسته از مباحث علوم قرآنی است که پیرامون قرآن است، مانند مباحث ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و مجمل و مبین که قطعاً چنین مقصودی نمی تواند صحیح و معقول باشد، چون این علوم، جنبه ی مقدماتی دارد و مقصود بالذات نیست. با این وصف طی سال هایی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

طولانی، دانشجویان و اساتید علوم قرآن چه کرده و می‌کنند؟ واقع‌صحنه را که می‌نگریم، اینان یا باید به اندکی از این همه دانش به دلیل گسترده‌گی هر سه بخش علوم قرآن اکتفا کنند و به عنوان یک دانش‌آموخته‌ی کم‌دانش، بدون آنکه تخصصی در هیچ یک از این زمینه‌ها آورند، به تحصیل خود پایان دهند و یا باید برای آنکه بتوانند پاسخگوی نیاز دانشجویان و مخاطبان باشند، به اندازه تمام دانش‌آموختگان تمام رشته‌های اسلامی با تلاشی مضاعف به یادگیری مباحث فقه و اصول و فلسفه و کلام و اخلاق اسلامی و تاریخ اسلام و دیگر معارف در حد پاسخگویی به سوالات دیگران تلاش کنند که طبعاً این آسوده‌سری و مهتاب‌عمری! می‌خواهد. لذا باید برای حل این مشکل فکری نمود. اینجانب راه حلی اگرچه ابتدایی به ذهنم رسیده است که با شما در میان خواهم گذاشت. امیدوارم این سوال و پاسخ ابتدایی، ذهن صاحب‌نظران و دغدغه‌مندان را به خود مشغول و تا یافتن پاسخی در خور به این پرسش از تلاش و اندیشیدن باز نمایم.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

جایگاه «فرآیند ارزشیابی» در توسعه کفایت حرفه‌ای

دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث

مرضیه محمص

دانشیار دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهیدبهشتی

m_mohases@sbu.ac.ir

تحولات پارادایمی در عرصه آموزش عالی و نیازهای فزاینده جامعه علمی معاصر، بازنگری در شیوه‌های متداول آموزش رشته علوم قرآن و حدیث را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است. رویکرد سنتی که عمدتاً بر انتقال مجموعه‌ای از معلومات ثابت و گزاره‌های به ظاهر قطعی متمرکز است، با چالش‌های بنیادینی روبرو گشته که بقا و توسعه کیفی این رشته در آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این چالش‌ها شامل انفعال ذهنی دانشجو، تقلیل یافتن میراث غنی اسلامی به داده‌هایی ایستا، و ناتوانی در ایجاد گفتگو بین سنت تفسیری و پرسش‌های نوپدید است. در چنین بستری، این مقاله استدلال می‌کند که محوریت توسعه آتی رشته علوم قرآن و حدیث، باید از آموزش صرف محتوای تثبیت شده، به سوی پرورش روحیه پرسشگری، نقد و پژوهش محوری در میان دانشجویان جابجا شود. این گذار تنها یک تغییر روش شناختی نیست، بلکه تحولی معرفت شناختی است که هدف غایی آن تربیت محققانی خلاق، نقاد و توانمند است که قادر باشند با ابزارهای ریشه دار علوم اسلامی، به کشف لایه‌های معنایی جدید و پاسخگویی به

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

معضلات پیچیده جهان معاصر بپردازند. اجرای این ایده مستلزم بازنگری در نقش استاد و بازطراحی فرآیند ارزشیابی است.

بازتعریف روش‌های ارزشیابی در رشته علوم قرآن و حدیث، به عنوان یکی از ارکان کلیدی تحول آموزش در این حوزه، نیازمند عبور از نظام سنتی نمره‌دهی مبتنی بر سنجش حافظه و بازتولید اطلاعات، و حرکت به سمت الگوهای است که توانمندی‌های تحلیلی، نقادانه و پژوهشی دانشجویان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این گذار، تنها با تغییر فرم سوالات امتحانی محقق نمی‌شود، بلکه مستلزم طراحی یک اکوسیستم جامع ارزشیابی است که در طول ترم و در تعامل با اهداف یادگیری پژوهش‌محور، عملکرد دانشجو را پایش کند. یک راهبرد اجرایی کلیدی، جایگزینی یا تلفیق امتحانات پایانی با مجموعه‌ای از تکالیف تدریجی و پروژه‌های پژوهشی خرد است. به عنوان مثال، به جای آزمون نهایی درباره تاریخ‌گذاری متون حدیثی، می‌توان از دانشجو خواست در طول ترم، گزارشی مرحله‌ای از فرآیند نقد سندی و متنی یک حدیث خاص ارائه دهد. این گزارش می‌بایست شامل شناسایی منابع اولیه و ثانویه، تحلیل راویان در کتب رجال، بررسی مفردات و ساختار جمله، و در نهایت ارائه یک جمع‌بندی درباره وثاقت متن باشد. این روش، نه تنها دانش عملی را می‌سنجد، بلکه مسیر تفکر و استدلال دانشجو را نیز آشکار می‌سازد و امکان بازخورد اصلاحی مستمر را فراهم می‌آورد. راهبرد دیگر، طراحی مکانیسم‌های ارزشیابی مشارکتی و مبتنی بر حل مساله است. تشکیل گروه‌های کاری که موظف به بررسی یک مسئله تفسیری یا حدیثی پیچیده از زوایای مختلف هستند، نمونه‌ای از این روش است. ارزشیابی در این مدل، چندبعدی خواهد بود؛ هم فرآیند کار گروهی، هم

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

کیفیت استدلال‌های ارائه شده در جلسات دفاع و هم‌گزارش نهایی نوشتاری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این رویکرد، استاد نقش راهنمای فرآیند را ایفا می‌کند و معیار نمره‌دهی، میزان عمق تحلیل، استفاده صحیح از منابع اولیه، خلاقیت در گردآوری داده‌ها و توانایی دفاع عالمانه از یافته‌هاست. همچنین، استفاده از روش ارزشیابی همتایان در نقد و بررسی مقالات کوتاه دانشجویان، آنها را مستقیماً در فرآیند داوری علمی درگیر می‌کند و حس نقادی و دقت نظر را در آنها تقویت می‌نماید. اجرای این راهبردها نیازمند بسترسازی است؛ از جمله برگزاری کارگاه‌های روش تحقیق پیشرفته، تامین دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای تخصصی، و مهم‌تر از همه، تغییر در ذهنیت اساتید و اعضای هیات علمی نسبت به فلسفه ارزشیابی. در این پارادایم جدید، ارزشیابی دیگر ابزار کنترل نیست، بلکه جزئی جدایی‌ناپذیر از فرآیند یادگیری و ابزاری برای پرورش ذهنیت پژوهشی است. این تحول، دانش‌آموختگانی را تربیت خواهد کرد که به جای تکرار مکررات، قادر به دیالوگ با آن و تولید دانشی پاسخگو برای آینده هستند.

واژگان کلیدی: آموزش، ارزشیابی، رشته علوم قرآن و حدیث، کفایت حرفه‌ای.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

بازنگری در سرفصل رشته علوم قرآن و حدیث: ضرورت

انطباق با نیازهای بازار کار و تقویت مهارت‌های پایه

مجتبی شکوری

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کوثر بجنورد

shever66ms@gmail.com

رشته علوم قرآن و حدیث به‌عنوان یکی از رشته‌های اصیل و راهبردی در نظام دانشگاهی ایران، رسالت تربیت متخصصان و مروجان معارف قرآن و سنت را بر عهده دارد. با این حال، به نظر می‌رسد شکافی معنادار بین محتوای آموزشی این رشته با انتظارات منطقی از دانش‌آموختگان و نیازهای واقعی بازار کار وجود دارد. این نوشتار با رویکردی آسیب‌شناسانه و کاربردی، چهار محور اصلی برای اصلاح سرفصل‌های این رشته پیشنهاد می‌دهد. اولین و مهم‌ترین مسیر شغلی فارغ‌التحصیلان، ورود به عرصه تعلیم و تربیت به‌عنوان معلم قرآن، دبیر دینی یا معلم ابتدایی است. اما سرفصل کنونی عملاً فاقد هرگونه درس اجباری و نظام‌مند در حوزه روش‌های آموزش قرآن است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود درسی با عنوان «مبانی و روش‌های آموزش قرآن» به ارزش ۲ تا ۴ واحد اجباری گنجانده شود که شامل روانشناسی یادگیری، روش‌های نوین تدریس، تحلیل کتب درسی و کارگاه‌های عملی تدریس باشد. دوم، مهارت پایه روخوانی و روان‌خوانی قرآن است که واحدهای موجود (معمولاً ۲ تا ۴ واحد) برای تسلط کامل کافی نیست. پیشنهاد می‌شود

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

برنامه‌ای مدون و تدریجی ۱۰ واحدی تحت عنوان «قرائت و تجوید» در پنج ترم متوالی طراحی شود؛ به گونه‌ای که ترم‌های اول و دوم به روخوانی پایه، ترم‌های سوم و چهارم به تجوید پیشرفته و ترم پنجم به شیوه‌های آموزش این مهارت اختصاص یابد. سوم، ضعف اساسی در مهارت محوری زبان عربی است. بسیاری از فارغ‌التحصیلان حتی در تجزیه و ترکیب جملات ساده نیز دچار مشکل هستند. برای رفع این مشکل، پیشنهاد می‌شود دروس صرف و نحو به صورت زنجیره‌ای و مستمر در قالب ۶ ترم پایایی با مجموع ۲۴ واحد ارائه شود. تأکید اصلی این دروس بر «اعراب القرآن» و «اعراب الحدیث» است؛ یعنی تمرین‌ها و مثال‌ها مستقیماً از آیات و احادیث انتخاب شود تا دانشجو به صورت استقرایی و کاربردی با قواعد آشنا گردد. چهارم، فقدان کامل کارآموزی عملی. پیشنهاد می‌شود درس «کارآموزی در مراکز آموزشی» به ارزش ۴ واحد در ترم‌های پایانی گنجانده شود. دانشجو موظف است یک نیمسال تحصیلی، حداقل ۸ تا ۱۲ ساعت در هفته در یکی از مدارس حضور یابد، زیر نظر استاد راهنما و معلم مجرب فعالیت کند و گزارش کارآموزی ارائه دهد. این طرح ضمن افزایش قابلیت اشتغال و ایجاد رزومه عملی، زمینه جذب مستقیم فارغ‌التحصیلان در مدارس را فراهم می‌کند. در جمع‌بندی، سرفصل کنونی با وجود دروس نظری ارزشمند، از چهار ضعف اصلی رنج می‌برد: بی‌توجهی به مهارت‌های آموزشی، ساده‌انگاری در مهارت قرائت، ارائه غیرمستمر و ناکافی دروس عربی و نبود کارآموزی. پیشنهادات ارائه‌شده نقشه راهی جامع برای پر کردن این شکاف است و ضمن پاسخگویی به نیازهای بازار کار، رسالت اصلی رشته یعنی پرورش متخصصان مسلط و عمل‌گرای قرآن و حدیث را تحقق می‌بخشد.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

آسیب شناسی شکاف میان دانش نظری و کاربرد عملی در

میان دانش آموختگان علوم قرآن و حدیث

حبیب الله حلیمی جلودار

استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران

jloudar@umz.ac.ir

از دانش آموختگان رشته علوم قرآن و حدیث، به عنوان حاملان معارف وحیانی و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، انتظار می‌رود نقشی کلیدی در هدایت معنوی و فکری جامعه ایفا کنند. با این حال، مشاهدات، حاکی از آن است که بسیاری از این دانش آموختگان در مواجهه با مسائل و نیازهای روز جامعه، یا از توانایی کافی برای ارائه پاسخ‌های عملی، کاربردی و متناسب با اقتضات زمانه برخوردار نیستند و یا اینکه در عین توانمندی، پاسخگویی به این امور را در حوزه رشته تحصیلی خود نمی‌دانند. لذا از چالش‌های اساسی در نظام آموزش عالی علوم اسلامی، به‌ویژه در حوزه قرآن و حدیث، وجود شکاف معنادار میان دانش نظری و کاربردی عملی آن در عرصه‌های فردی، اجتماعی و تربیتی است؛ به‌گونه‌ای که با وجود تسلط نسبی بر مبانی تفسیری، حدیث‌پژوهی، علوم قرآنی و روش‌شناسی استنباط، در عرصه کاربردی‌سازی این معارف در حل مسائل تربیتی، فرهنگی و اجتماعی با چالش‌هایی مواجه‌اند. مقاله حاضر با رویکردی آموزشی — تربیتی، به آسیب‌شناسی این شکاف پرداخته و تلاش می‌کند ضمن

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تبیین ریشه‌های آن، راهکارهایی عملی برای کاهش فاصله میان نظر و عمل ارائه دهد.

از منظر نظری، می‌توان این شکاف را از یک سو حاصل غلبه رویکرد دانشی بر رویکرد مهارتی و مسأله‌محور در نظام آموزشی دانست. در بسیاری از برنامه‌های درسی، تأکید اصلی بر انتقال محفوظات، تحلیل‌های نظری و مباحث تاریخی است، در حالی که مهارت‌هایی همچون تبیین کاربردی مفاهیم قرآنی در موقعیت‌های واقعی، طراحی برنامه‌های تربیتی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، یا پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید اجتماعی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و از دیگر سو به انتظاراتی مربوط می‌شود که از دانش آموختگان این رشته دارند؛ مثلاً در بررسی پرونده ارتقای دانش آموختگان این رشته، اگر کتابی برای حل مشکلات در حوزه خانواده تصنیف یا تألیف شده باشد، آن را از تخصص متقاضی خارج دانسته و کمترین امتیاز را برای آن قائل می‌شوند. یعنی حل مسایل و مشکلات فرهنگی، تربیتی و اجتماعی را از حوزه تخصص دانش آموخته رشته علوم قرآن و حدیث خارج می‌دانند. این عدم توازن سبب می‌شود دانش آموخته، اگرچه از حیث نظری غنی باشد، اما در تبدیل دانش به کنش تربیتی یا توانمند نباشد و یا انگیزه‌ای بدان نداشته باشد.

از سوی دیگر، گسست میان محیط‌های آموزشی و بسترهای واقعی تربیت (مانند مدرسه، خانواده، رسانه و نهادهای فرهنگی) نیز از عوامل مؤثر در تعمیق این فاصله است. فقدان دوره‌های کارورزی هدفمند، ارتباط محدود با مسائل عینی جامعه و نبود نظام ارزیابی مبتنی بر شایستگی‌های عملی، سبب می‌شود فرآیند آموزش بیشتر در سطح ذهنی و انتزاعی باقی بماند. افزون بر این، رویکرد سنتی در برخی شیوه‌های تدریس که بر محور

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

سخنرانی یک‌سویه استوار است، فرصت تجربه‌ورزی، گفت‌وگوی انتقادی و تمرین مهارت‌های کاربردی را کاهش می‌دهد.

از منظر تربیتی، این شکاف پیامدهایی چون کاهش اثربخشی اجتماعی دانش‌آموختگان، افت انگیزه حرفه‌ای و ناتوانی در ایفای نقش مرجعیت علمی - فرهنگی در جامعه را به همراه دارد. هنگامی که دانش نظری به رفتار و کنش تربیتی تبدیل نشود، نه تنها کارآمدی آموزش زیر سؤال می‌رود، بلکه اعتماد اجتماعی به نظام آموزشی نیز تضعیف می‌شود. در پاسخ به این آسیب‌ها، مقاله حاضر چند راهکار عملی و تحلیلی پیشنهاد می‌کند:

- نخست، تدوین طرحنامه‌ای برای اساتید جذب شده این رشته مبنی بر حل مسأله از مسایل اعتقادی، تربیتی، فرهنگی، اخلاقی و... در بازه زمانی مشخص و تضمین ارتقای آنها از قبل نتیجه طرحنامه.
- دوم، بازنگری در برنامه‌های درسی با تأکید بر رویکرد شایسته‌محوری؛ به این معنا که علاوه بر اهداف دانشی، اهداف مهارتی و نگرشی به صورت دقیق تعریف و در سرفصل‌ها لحاظ شود.
- سوم، طراحی واحدهای کارورزی و پروژه‌های میدانی که دانشجویان را درگیر مسائل واقعی تربیتی کند؛ برای مثال، تحلیل و حل یک مسأله اخلاقی یا تربیتی در یک مدرسه یا مرکز فرهنگی با بهره‌گیری از منابع قرآنی و حدیثی.
- چهارم، به کارگیری روش‌های فعال تدریس همچون یادگیری مبتنی بر حل مسأله، مطالعه موردی و کارگاه‌های مهارت‌آموزی که به تمرین کاربرد مفاهیم در

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

موقعیت‌های عینی بیانجامد.

- پنجم، ایجاد پیوند ساختاری میان دانشگاه و نهادهای فرهنگی - آموزشی به منظور تسهیل انتقال تجربه و بازخورد مستمر.

همچنین، تقویت رویکرد میان‌رشته‌ای می‌تواند نقش مهمی در کاهش این شکاف ایفا کند. تعامل علوم قرآن و حدیث با حوزه‌هایی چون علوم تربیتی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، زمینه فهم عمیق‌تر مسائل معاصر و ارائه راه‌حل‌های کارآمدتر را فراهم می‌آورد. در کنار آن، اصلاح نظام ارزشیابی از تمرکز صرف بر آزمون‌های کتبی به سمت سنجش عملکرد عملی، ارائه پروژه‌های کاربردی و ارزیابی مبتنی بر شایستگی، ضرورتی انکارناپذیر است.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

بازمهندسی نظام آموزشی علوم قرآن و حدیث: از دانش

نظری به مهارت جامعه‌محور

احمد قرائی سلطان آبادی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ولی عصر رفسنجان

ah.gharaee@vru.ac.ir

یکی از جدی‌ترین چالش‌های کنونی آموزش عالی در رشته علوم قرآن و حدیث، فقدان پیوند منسجم میان آموزه‌های آکادمیک و نیازهای انضمامی جامعه است. علیرغم غنای میراث علمی، خروجی‌های آموزشی و پژوهشی این رشته در بسیاری از موارد تأثیر مستقیمی بر حل مسائل فردی و اجتماعی ندارند و همین امر موجب فاصله گرفتن این دانش از بستر واقعی زندگی شده است. در حالی که ظرفیت‌های هدایتی این رشته در حوزه‌هایی چون اصلاح سبک زندگی، ارتقای اخلاق، مقابله با شبهات و تقویت عدالت بسیار بالاست، این توانمندی‌ها هنوز به صورت نظام‌مند در ساختار آموزشی فعال نشده‌اند. ضرورت دارد که آموزش از حالت «صرفاً نظری و محفوظاتی» خارج شده و به سمت «آموزش کاربردی و مسئله‌محور» حرکت کند؛ به این معنا که دانشجو از خود پرسد: «این دانش در کجای جامعه به کار می‌آید؟».

محورهای پیشنهادی برای تحول: برای تحقق این تحول، بازنگری در سه قلمرو

اصلی ضرورت دارد:

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

۱. علوم قرآنی و تفسیر: مباحثی همچون وحی، اعجاز و تاریخ قرآن نباید صرفاً به عنوان موضوعاتی انتزاعی تدریس شوند، بلکه باید در نسبت مستقیم با پرسش‌های فکری و فرهنگی روز قرار گیرند. در حوزه تفسیر، اولویت باید از مباحث صرفاً ادبی و تاریخی به سمت استخراج «گفتمان هدایتی قرآن» برای مسائلی مانند کرامت انسانی، آزادی، عدالت و سلامت روان سوق یابد.

۲. حدیث و فقه الحدیث: آموزش باید بر مهارت‌های «سنجش اعتبار» و «تحلیل محتوا» متمرکز شود تا فارغ‌التحصیلان بتوانند نقش تخصصی خود را در پالایش فضای عمومی و رسانه‌ای از احادیث بی‌اعتبار و خرافات ایفا کنند.

۳. پژوهش مسئله‌محور: موضوعات پایان‌نامه‌ها و مقالات باید به سمت مسائل عینی جامعه همچون آسیب‌های خانوادگی، بحران‌های اخلاقی، شبهات جدید و سبک زندگی دینی هدایت شوند تا دانشجوی مهارتی را کسب کند که مستقیماً در بازار کار و جامعه قابل استفاده باشد.

ساختار پیشنهادی برای تربیت دانش‌آموختگان: این طرح دو سطح تکاملی را برای تربیت دانشجویان در نظر می‌گیرد:

- سطح مطلوب (ایده‌آل): تربیت افرادی که متخلق به اخلاق قرآنی، حق‌طلب، صبور و دارای قدرت نقد علمی و تعامل سازنده با مخالفان باشند.
- سطح واقع‌بینانه (آسیب‌شناسانه): توانمندسازی دانشجو برای شناخت نقادانه آسیب‌های فکری، اخلاقی و اعتقادی جامعه و ارائه راهکارهای علمی برای آن‌ها.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

بازتعریف رشته علوم قرآن و حدیث بر اساس نیازهای واقعی، نه تنها جایگاه اجتماعی این رشته را احیا می‌کند، بلکه فارغ‌التحصیلانی کارآمد تربیت خواهد کرد که می‌توانند در سالم‌سازی فضای فکری و اخلاقی جامعه نقش ایفا کنند. این مسیر تحول، نه از بیرون، بلکه از درون خود میراث غنی اسلامی و با تکیه بر روشمندی در آموزش و پژوهش قابل تحقق است.

واژگان کلیدی: علوم قرآن و حدیث، آموزش جامعه‌محور، مسئله‌محوری، گفتمان هدایتی، آسیب‌شناسی دینی، بازار کار تخصصی.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

ارزشیابی دوره‌های آموزش قرآن و حدیث در تربیت معلم:

رویکردی تلفیقی به دانش، مهارت و هویت حرفه‌ای

الیه السادات میرصفائی ریزی

استادیار دانشگاه فرهنگیان اصفهان

e.mirsafaei@cfu.ac.ir

در نظام تربیت معلم، به‌ویژه در حوزه الهیات، درس‌های قرآن و حدیث نقشی فراتر از یک واحد درسی معمول دارند. این درس‌ها زیربنای شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلمان دینی آینده‌اند و انتظار می‌رود دانشجو معلمان را برای ایفای نقشی مؤثر در کلاس درس و تربیت دینی دانش‌آموزان آماده سازند. دانشجو معلمان الهیات در دانشگاه فرهنگیان، در آینده مسئولیت آموزش قرآن و هدیه‌های آسمانی را بر عهده خواهند داشت و نوع فهم، نگرش و شیوه تدریس آنان تأثیر مستقیمی بر نگرش دینی نسل دانش‌آموز خواهد داشت. از این رو، کیفیت آموزش و به‌ویژه نحوه ارزشیابی این دوره‌ها، از اهمیت بنیادین برخوردار است.

با وجود این اهمیت، در عمل ارزشیابی درس‌های قرآن و حدیث غالباً به آزمون‌های کتبی میان‌ترم و پایان‌ترم محدود می‌شود. این آزمون‌ها معمولاً حافظه‌محورند و بیش از آن‌که توانمندی‌های واقعی دانشجو معلم را در تدریس و انتقال مفاهیم دینی بسنجند، میزان تسلط او بر محفوظات نظری را نشان می‌دهند. در نتیجه، ممکن است دانشجو معلم در

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

پاسخ‌گویی به پرسش‌های امتحانی موفق باشد، اما در طراحی طرح درس، مدیریت کلاس یا پاسخ به پرسش‌های دینی دانش‌آموزان با چالش مواجه شود. این شکاف میان «دانستن» و «توانستن»، ضرورت بازنگری در الگوی ارزشیابی را آشکار می‌سازد.

هدف اصلی این طرح، طراحی الگویی برای ارزشیابی است که بتواند میزان اثربخشی دوره‌های آموزش قرآن و حدیث را در آمادگی دانش‌جو-معلمان برای کلاس واقعی مدرسه نشان دهد. در این الگو، ارزشیابی تنها به نمره پایانی محدود نمی‌شود، بلکه به عنوان ابزاری برای سنجش و تقویت یادگیری و رشد حرفه‌ای دانش‌جو-معلم در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، سه هدف محوری دنبال می‌شود: سنجش فهم عمیق و مفهومی دانش قرآنی و حدیثی، ارزیابی توانایی به‌کارگیری این دانش در موقعیت واقعی تدریس، و بررسی میزان شکل‌گیری نگرش و هویت حرفه‌ای معلم دینی.

مبنای نظری این طرح بر این باور استوار است که تربیت معلم دینی فرایندی چندبعدی است. معلم آینده باید از دانش تخصصی کافی برخوردار باشد، مهارت‌های عملی تدریس را بیاموزد و در عین حال، نگرشی متعهدانه نسبت به مسئولیت دینی و تربیتی خود پیدا کند. تمرکز صرف بر یکی از این ابعاد، کارآمدی دوره آموزشی را کاهش می‌دهد. افزون بر این، معلم قرآن و حدیث تنها ناقل محتوا نیست، بلکه به عنوان الگوی رفتاری و اخلاقی در ذهن دانش‌آموز نقش می‌بندد. بنابراین، ارزشیابی باید بتواند ابعاد اخلاقی، نگرشی و هویتی دانش‌جو-معلم را نیز مورد توجه قرار دهد.

در این طرح، خروجی دوره در سه بُعد اصلی بررسی می‌شود. بُعد نخست، بُعد دانشی است که به فهم مفاهیم پایه علوم قرآن و حدیث، توان تحلیل آیات و روایات و

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

استخراج پیام‌های تربیتی متناسب با سن دانش‌آموزان می‌پردازد. در این بُعد، تأکید بر درک مفهومی و تحلیلی است، نه حفظ تعاریف و اصطلاحات. بُعد دوم، بُعد مهارتی است که شامل توانایی طراحی طرح درس، انتخاب روش تدریس مناسب، استفاده از ابزارها و رسانه‌های آموزشی، مدیریت کلاس و برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان می‌شود. این بُعد مستقیماً با عملکرد آینده دانشجو-معلم در کلاس درس ارتباط دارد. بُعد سوم، بُعد نگرشی و هویتی است که به میزان تعهد، انگیزه، اخلاق علمی و احساس مسئولیت دانشجو-معلم نسبت به آموزش قرآن و تربیت دینی دانش‌آموزان می‌پردازد.

برای سنجش این ابعاد، مجموعه‌ای از ابزارهای ارزشیابی به صورت مکمل به کار گرفته می‌شود. آزمون‌های کتبی و شفاهی با رویکرد مفهومی و کاربردی، بُعد دانشی را پوشش می‌دهند. تکالیف عملی، طرح درس، تدریس‌های شبیه‌سازی شده و پروژه پایانی، ابزارهای اصلی سنجش بُعد مهارتی هستند. در کنار این‌ها، خودارزیابی دانشجو-معلم، ارزیابی همتا و نظر استاد یا ناظر آموزشی، برای بررسی بُعد نگرشی و هویتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ترکیب این ابزارها امکان دستیابی به تصویری جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر از توانمندی‌های دانشجو-معلم را فراهم می‌کند.

فرایند اجرای ارزشیابی در این الگو به صورت مرحله‌ای طراحی شده است. در آغاز دوره، با استفاده از آزمون‌ها و پرسشنامه‌های اولیه، وضعیت دانشی، مهارتی و نگرشی دانشجو-معلمان بررسی می‌شود. در طول ترم، ارزشیابی تکوینی از طریق تمرین‌ها، ارائه‌ها و بازخوردهای مستمر ادامه می‌یابد تا فرصت اصلاح و رشد فراهم شود. در پایان دوره نیز با جمع‌بندی نتایج آزمون‌ها، پروژه‌ها و فرم‌های خودارزیابی، میزان تحقق اهداف آموزشی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

مشخص می‌شود. این رویکرد باعث می‌شود ارزشیابی از یک رویداد مقطعی به فرایندی پیوسته و رشد آفرین تبدیل شود

نتایج حاصل از این نوع ارزشیابی، افزون بر کاربرد آموزشی، کارکردهای مدیریتی و پژوهشی نیز دارد. مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی می‌توانند بر اساس داده‌های واقعی، نقاط قوت و ضعف برنامه‌های درسی را شناسایی کرده و نسبت به اصلاح سرفصل‌ها، روش‌های تدریس و ساختار دوره‌ها تصمیم‌گیری کنند. همچنین این داده‌ها می‌تواند مبنای پژوهش‌های علمی در حوزه تربیت معلم دینی قرار گیرد و به تولید دانش بومی در این زمینه کمک کند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت، الگوی ارزشیابی پیشنهادی، فرصتی فراهم می‌آورد تا دانشجو معلمان الهیات پیش از ورود به مدرسه، خود را در نقش معلم دینی ارزیابی کنند. تمرکز هم‌زمان بر دانش، مهارت و نگرش، موجب می‌شود درس‌های قرآن و حدیث از قالب صرفاً نظری خارج شده و به عرصه‌ای برای تمرین واقعی معلمی تبدیل شوند. چنین رویکردی در نهایت می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش قرآن و هدیه‌های آسمانی در مدارس و تقویت تربیت دینی دانش‌آموزان منجر شود.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

دیجیتالایسم در آموزش و فهم تمثیلی مفاهیم توحیدی قرآن

کریم با زبان باینری

عباس عبدی

استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه مراغه

a.abdi@maragheh.ac.ir

زبان ماشین یا زبان باینری نوعی تبدیل اعداد در مبنای 10 به مبنای دودویی است از این رو در مقابل آن می‌تواند مبناهای دیگری نیز قرار گیرد. هر چند در زبان دیجیتالی کاربردی نداشته باشد. زبان باینری صرفاً فهم دو عدد صفر و یک نیست بلکه دریچه‌ای به سوی فهم دنیای دیجیتال است. فهم صفر و یک و رابطه آن با تصاویر، اصوات و هر چه که در میان ابزارهای دیجیتالی می‌گذرد نگاه ما را به دنیای مجازی تغییر می‌دهد و واقعیت این فضا را از ظواهر حسی آن جدا می‌سازد.

مطلب دیگر وقوع رخداد پنهانی به نام دیجیتالایسم است که فرو بردن بشر معاصر در خود است. دیجیتال به واژه دجال مطرح شده در روایات بسیار نزدیک است. آنچه مورد واهمه است، مطلق کاربرد آن نیست، بلکه سایه سنگینی است که فهم بشر امروزی را متأثر از خود می‌سازد. هر چند استفاده صحیح از آن مانع قبول چنین تأثر مطلق منفی می‌شود. ماهیت دیجیتالایسم مجازی است و در عرصه شناخت و فهم به شدت توهم زاست. مطالعات

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

آتی مراکز تحقیقات دینی و به خصوص قرآنی باید به سمت توسعه قانونمند و اخلاقی مواجهه بشر با چنین پدیده ای برود. منظور نویسنده این نیست که برای فضای مجازی قانون وضع کنیم یا توصیه های اخلاقی ذیل آن بیاوریم. بلکه فراتر از آن یعنی مطالعات بنیادی است که بشر در این تعامل با چنین پدیده ای با آن روبروست. ما در دولتهای مختلف شاهد تعیین حدود و ثغور حقوقی برای استفاده از این فضا هستیم ولی گام نخست و مبنایی به آن را با بی توجهی و مسامحه نادیده گرفته ایم. بحث ما فلسفه رسانه یا فقه رسانه یا مباحث متداول شبیه به آنها نیست. بلکه تأثیر و تأثری است که بشر را از موجود لطیف متعالی به زامبی های غیرمنعطف و غیر قابل ارتباط تبدیل می کند. این عوارض رفتاری تنها به خاطر فرو رفتن افراطی در فیلم و انیمیشن و گیم نیست. بلکه ما اساساً به شناخت کافی از این پدیده نرسیده ایم. به تعبیر دیگر ما در دوره گذار یا جنینی هستیم. بشر پسادیجیتال قطعاً با انسان فرود دیجیتال در یک دنیای واحدی سیر نمی کند که از وراثت چند هزار ساله پیشینیان بتواند استفاده کند.

مسلمانان قریب به هزار و چهارصد سال پیش از تعداد تکرار حروف در قرآن کریم به علم ابجد رسیدند که آثار ویژه ای داشته و طبیعتاً فهم ما انسانها را از رابطه حروف و اعداد تغییر داد. هر چند ما از این علم استفاده می کنیم و از رابطه آن دو هیچ فهمی نداشته باشیم. فهم روابط عددی مثل عدد 7 و 19 و 40 و... بیشتر بازی با اعداد محسوب می شود و چنین لذتی، بشر را از فهم واقعیت تأثیرگذار آنها باز داشته است. عدد علامت از یک رابطه واقعی است، نه این که خود واقعیت باشد. همان طور که ما در بیرون هیچ عددی نداریم و عدد انتزاع تعداد واقعیت هایی است که در بیرون وجود دارند. ما عدد را انتزاع

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

کردیم تا تسهیل فهمی از واقعیت بیرونی باشد و شیفته شدن به اعداد گاهی بشر را از توجه به واقعیتها محروم کرده است. بشر با ور رفتن با اعداد توانست علم ریاضی را بنیان نهد و بر پایه تکنیکهای آن، تکنولوژی تسهیل‌گری را سر و سامان دهد. ولی ریاضی‌دانهایی که به مقام نبوت و امامت برسند را هیچ گاه تحویل نداد.

در این میان رابطه دیگری نیز بین اعداد وجود دارد که بعد از هزار و چهار صد سال دنیای تکنولوژی را زیر و رو کرد و آن تبدیل اعداد از مبنای ده دهی به مبنای دودویی است. چراغ روشن یا خاموش، نور یا ظلمت، بودن یا نبودن و در نهایت هستی و نیستی، اینها بر خلاف اعداد، مفاهیم انتزاعی نیستند بلکه وجود دارند و عینی هستند. وقتی از صفر و یک صحبت به میان می‌آید دو عدد انتزاع می‌شود: صفر و یک. حال آن که صفر در دنیای غیر انتزاعی اصلاً وجود ندارد. صفر یعنی درک مفهوم کاملاً انتزاعی توسط ذهن که در بیرون وجود ندارد. ولی ما آن را به اندازه نصف داده‌ایمان باور داریم و برای آن وزنی برابر با عدد دیگر یعنی یک تصور کرده‌ایم. در حقیقت آنچه ما با آن مواجهیم فقط یک عدد است و آن عدد یک است و دیگر هیچ! ما به جای این که هست را ببینیم و به آن توجه کنیم، حواسمان را در خوشبینانه‌ترین فرض به دو عدد هموزن معطوف ساخته‌ایم. بزرگترین اشتباه بشریت هموزن ساختن نیستی با هستی است. باز دوباره به بازی با اعداد برگردیم ما با اعداد خوشیم و با آن دنیای مادی خودمان را ساخته‌ایم. در حقیقت این توهم اعداد ما را از درک واقعیات باز داشته است و این همان معنای کفر است. کفر یعنی پوشانیدن حق یا پوشانیدن حق بر باطل همان طور که کشاورز دانه را با خاک پنهان می‌کند.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

گفتیم که عدد علامتی است از روابط و تعداد واقعیت‌های خارج که ذهن آن را انتزاع کرده است. این توهم است چرا که وجود رابطی، در حقیقت وجودی ندارد و وجودها متعلق به موجود عینی خارجی است و باز گفتیم که زبان ماشین صفر و یک است. صفر یعنی چیزی نداشتن و چیزی نبودن، در مقابل آن هر چه هست "هست" است. هدف ما ایهام‌گویی شاعرانه نیست، بلکه واژه "هستی" رائج حاصل مصدري دارد و جای واژه "هست" را پر نمی‌کند. یعنی «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲) "هستی" نیست، بلکه "هست" هاست که با فهم ارتباط دو عدد صفر و یک این دریافت تسهیل می‌شود. با فهم این ارتباط و فهم وجود یک و عدم وجود صفر، درک مفاهیم دیگری نیز برایمان ساده می‌شود: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَكَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (التوحید: ۱ تا ۴) خداوند خودش به انسان گفته است، بگو، یعنی فهم چنین چیزی بما هو حقه، در حدی نیست که بتواند به آن برسد، چراکه "نیستی" را چه به فهم از "هست" و هر چه "هستی" است! یعنی فهم کمالیه نداریم. بلکه فهم سلبیه از آن داریم و آنچه در خود و محیط می‌یابیم افاضه‌هایی از آن هستی بخش است.

می‌گوید: بگو: «هو...» چرا که در این روابط من و اشیاء محاصره کرده، این واقعیت را نخواهی یافت، چراکه هم "من" و هم "این"ها بهره‌هایی از "هست" برده است. به همین خاطر ضمیر سوم شخص به کار برده است. اینجا دیگر ضمیر سوم شخص نیست که بگویی من، تو و او، بلکه عدما که معدومند و آنچه هست فقط "هو"ست و دیگر چیزی نیست که بتوان ضمیر دیگری فرض کرد. این فهم همان، فهم تمثیلی است که از رابطه صفر و یک در زبان باینری کشف کرده ایم.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

مفهوم دیگر احد است. ما در زبان باینری می‌فهمیم که منظور از صفر نبودن عدد یک نیست، بلکه نبودن همه چیز است. این رابطه مانع الجمع نیست که بگوییم پس دو یا سه، بلکه جایی که هر چه هست یک است، دیگر یک عددی به سان دو، سه و چهار نیست. اینجاست که امام زین العابدین علیه السلام در دعای اول صحیفه سجادیه فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بَلَا أَوَّلَ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بَلَا آخِرَ يَكُونُ بَعْدَهُ. الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ...».

مفهوم دیگر صمد است. یعنی جایی نیست که او نباشد، چراکه غیر از او چیزی نیست و مابقی عددهایی است که با افاضه‌های او رخت وجود بر تن کرده‌اند. اینها همه روش کشف تمثیلی است که با فهم زبان باینری می‌توان در فهم آنها تسهیل ایجاد کرد.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

پژوهش

روش تعامل متن دینی با دانش بشری

عبدالهادی مسعودی

استاد دانشگاه قرآن و حدیث

h.masoudy@gmail.com

با گذر از پذیرش ضرورت مطالعات میان رشته ای، اکنون نیاز به داشتن روشی برای گفتگو افکندن میان متن دینی (قرآن و حدیث) با دانش بشری و به ویژه علوم انسانی، احساس می شود. روشی که بتواند به پرسش های موجود درباره متن پاسخ گوید، تا اندازه ای تعارض های احتمالی میان مفهوم متن و یافته های مقبول در دانش بشری را حل کند. همچنین در یک درجه بالاتر، با پرسش سازی، ناگفته های متن و سایه ها و سویه های آن را بیرون بکشد. در این سطح اخیر، می توان به فرضیه سازی و حتی نظریه پردازی متن پایه نیز اندیشید. البته این بدان معنا نیست که ما تا کنون روشی در این عرصه نداشته ایم. دو روش «تألفی» و «گزاره سازی متناظر» را داشته ایم که توضیح مختصرشان می آید:

1. روش تألفی: در این روش، هر یک از دو سوی پژوهش، یعنی متون دینی و دانش بشری، کار خود را بر اساس داده ها و شیوه خود تا انتها، پیش می برند و سپس در پایان تحقیق، یافته های نهایی خود را به یکدیگر ضمیمه می کنند و نوشته هایی را با نام های گوناگون، اما با پسوند های مشترکی مانند «در دین و روان شناسی» و «از نگاه قرآن و اقتصاد»، «در اسلام و جامعه شناسی» و... پدید می آورند.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

۲. روش گزاره سازی متناظر: محقق در این روش، یک موضوع بزرگ مانند (کژروی اجتماعی) را به دهها و بلکه صدها گزاره، خرد می کند و سپس به دنبال آیات و احادیثی روان می شود که با هر یک از این گزاره‌ها، مناسبت دارد، خواه مؤید باشد و خواه مخالف. در واقع از ابتدا به دنبال تأیید قطعی داده‌های علمی از سوی متون دینی نیستیم. از این رو ممکن است در هر یک از گزاره‌های علمی تردید شود و حتی به گونه‌ای صریح آنها را نادرست بخوانیم.

۳. روش گفتگوی گام به گام مشارکتی: این روش از ترکیب پژوهش‌های مشارکتی و تحقیق‌های گفتگو مدار، شکل می یابد. در این شیوه، ما هیچ کدام از دو سوی تحقیق را تا پایان نمی‌بریم، بلکه در هر مرحله از مراحل جزئی تحقیق، یافته‌های هر یک از طرفین را با سوی دیگر تحقیق در میان می‌نهم و گام بعدی پژوهش را بر اساس آنچه از این گفتگو بیرون می‌آید، طراحی می‌کنیم.

مراحل اجرایی این روش عبارتند از: امکان‌سنجی، هموار کردن مسیر گفتگو، فرضیه سازی بر پایه داده های حدیث، صحت انتساب، ریزپردازی به جای نظریه پردازی و آزمون فرضیه که همه اینها توضیح دارند. افزون بر این می‌توان به برخی موانع این شیوه نیز اشاره نمود. موانعی مانند تقدس متن دینی و مشکل نقد آن، ناآشنایی با شیوه دانش‌های نو و ناکامی‌های پیشین در راه‌های بن بست.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

مطالعات میان رشته ای قرآن و حدیث: گامی به سوی

کاربردنی سازی آموزه های دینی

فتحیه فتاحی زاده

استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا

f-fattahizadeh@alzahra.ac.ir

تحقق تحول بنیادین در علوم قرآن و حدیث، در چارچوب سیاست‌های کلان تولید علم، نوآوری و نظریه‌پردازی، مستلزم بهره‌گیری از رویکردهای میان‌رشته‌ای و روش‌های نوین تحلیل متن است. در این میان، معناشناسی شناختی و به‌ویژه نظریه استعاره‌های مفهومی، به‌عنوان یکی از رویکردهای مؤثر در مطالعات زبان‌شناختی معاصر، ظرفیت قابل توجهی برای بازخوانی نظام مفهومی متون دینی و تبیین لایه‌های عمیق معنایی قرآن و حدیث فراهم می‌آورد. ضرورت شکل‌گیری «مطالعات زبان‌شناسی قرآن و حدیث» از یک‌سو ناشی از رشد فزاینده مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی و اسلامی، و از سوی دیگر، حاصل خلأهای روشی و دانشی موجود در میان پژوهشگران دو حوزه زبان‌شناسی و علوم قرآنی است؛ به‌گونه‌ای که ضعف در تسلط بر حوزه مکمل، در بسیاری موارد، مانع دستیابی به پژوهش‌های روشمند شده است. هدف از مطالعات میان رشته ای قرآن و حدیث، تربیت و توانمندسازی پژوهشگرانی است که با احاطه علمی بر هر دو حوزه، قادر باشند با اتکا به روش‌های معتبر زبان‌شناختی، به تحلیل ساختارمند مفاهیم

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

قرآنی و حدیثی بردارند. این هدف در دو سطح دنبال می‌شود: نخست، تعمیق فهم متون دینی، رفع برخی ابهامات تفسیری، بازنمایی علمی پیام قرآن در مجامع بین‌المللی و تبیین وجوه اعجاز زبانی و مفهومی آن؛ دوم، فراهم‌سازی زمینه نقد، توسعه و بومی‌سازی نظریه‌های زبان‌شناختی از رهگذر مواجهه آن‌ها با متنی برخوردار از انسجام و پیچیدگی ممتاز زبانی. دستاوردهای مورد انتظار این مدل پژوهشی، شامل تولید چارچوب‌های تحلیلی نوین در مطالعات دینی، توسعه پژوهش‌های نظری در زبان‌شناسی اسلامی، تقویت ظرفیت نظریه‌پردازی بومی، و شکل‌دهی به فضای پژوهشی نظام‌مند برای پرورش خلاقیت علمی و تعامل مؤثر میان استادان و دانشجویان است و می‌تواند الگویی راهبردی برای ارتقای مطالعات میان‌رشته‌ای و تعمیق فهم علمی متون وحیانی در فضای دانشگاهی و پژوهشی کشور فراهم آورد.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

ضرورت بازنگری در سیاست‌های مجلات علمی کشور:

مطالعات قرآن و حدیث

سیدرضامودب

استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم

moadab_r113@yahoo.com

به برکت انقلاب اسلامی، مجلات علمی فراوانی در کشور شکل گرفتند و برخی آمارها حکایت از بیش از ۲۰۰۰ مجله در فهرست نشریات علمی مورد تأیید وزارت عتف در سال ۱۴۰۴ می‌باشد و حدود ۱۰۰۰۰ مقاله در سال با هزینه‌های فراوان دولتی و شخصی منتشر می‌کنند که بیش از نیمی از آنها مربوط به حوزه علوم انسانی است. بحمدلله در گذشته، مقالات پژوهشی سهم مناسبی در رشد علمی کشور داشتند و آن مجلات مورد تأیید وزارت علوم، به محققان امکان می‌داده و می‌دهد تا به راحتی برای انتشار مقالات خود اقدام کنند و آنها را راهنمایی می‌کند تا در انتخاب مجله مناسب برای انتشار مقالات خود دقت کنند و از اعتبار و ضریب تأثیر آنها بهرمند باشند.

اما آنچه اهمیت دارد آن است که در چند سال اخیر به نظر می‌رسد سهم مقالات یاد شده در رشد علمی کشور و تأثیر آنها بر حل مسایل علمی کشور اندک شده است و یا محدود به برخی مقالات در برخی از رشته‌های علمی است؛ زیرا اغلب مقالات در چندین سال اخیر، ناظر بر حل مسایل اداری و شغلی مولفان در تبدیل وضعیت و ارتقای به

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

دانشیاری و استادی و... تدوین می شوند که گرچه این امر هم مطلوب است ولی هدف تدوین مقالات نمی باید در جهت حل مسایل شخصی باشد و بدین جهت کمتر بدان‌ها مراجعه علمی می شود و یا مراجعات در مواردی صوری و شکلی است و این مقالات با هزینه‌های فراوان آنها در تدوین و نشر، اغلب در حوزه علوم انسانی نتوانسته در منظومه مسایل رشته‌های علمی کشور موثر باشد. بدین جهت مقالات یاد شده در موارد فراوانی به نظر می رسد که بدون مسئله و تکراری و بدون پیشینه تحقیق کامل است.

گرچه برخی از سردبیران معتقدند که شرایط فعلی سبب شده تا مراجعات مولفان و درخواست نشر مقالات به مجلات فزونی یابد و آن را فرصتی طلایی برای تولید مقالات می دانند، ولی بهر‌مندی غیر روشمند و غیر صحیح از کثرت تقاضاهای نشر مقالات، به علت عدم حضور کافی و وافی سردبیران و واگذاری برخی از امور به دیگران و عدم حضور و یا عدم نظارت کامل هیئت تحریریه در اغلب مجلات، مقالات ضعیف و کم بها، نشر می شود و به جای رشد علمی، رشد تعداد مقالات علمی رخ داده است. مجلات که لازم است پایگاهی برای حل مشکلات علمی کشور باشند، محلی برای هزینه نمودن سرمایه‌های دولت شده اند.^۱

بنابراین بهتر است پیوند نشر مقالات را با حل مسایل اداری و شغلی مولفان، بررسی و بازنگری نمود و در سازوکارهای ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و از

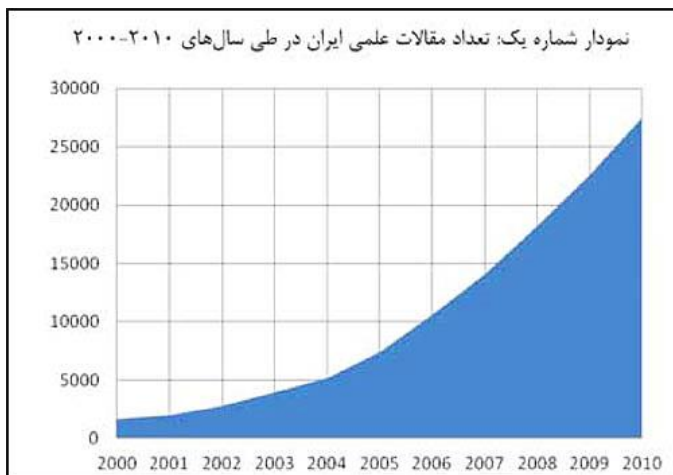
۱- رشد علمی یا رشد تعداد مقالات علمی؟ تعداد مقالات علمی، شاخصی است که حاکی از رشد کمی پژوهش و تحقیقات در فضای دانشگاهی است. برای به دست آوردن تصویری جامع از توان علمی یک کشور، باید کیفیت پژوهش را هم مورد توجه قرار داد. به این منظور، می توان شاخص تعداد ارجاعات سایر مقالات پژوهشی به تعداد مشخصی از مقالات علمی را نشان‌دهنده محتوای پژوهشی موجود در آنها دانست.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

جمله در آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی، تغییرات لازم و مقتضی با هدف تقویت انگیزه‌های استادان و دانشجویان و محققان برای شناسایی و حل مشکلات حقیقی کشور صورت پذیرد. مطمئناً چنانچه ملاک ارزیابی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مبتنی بر میزان حل مشکلات حقیقی کشور طراحی شود، شاهد جهت‌گیری بیشتر این مراکز به این سمت خواهیم بود. در این صورت انتشار مقاله، نه تنها یک هدف، بلکه نتیجه طبیعی فعالیت‌های محققان و عالمانه خواهد بود. در حوزه مطالعات قرآن و حدیث حدود 40 مجله دارای رتبه علمی وجود دارد که در سال حدود 1000 مقاله نشر می‌یابد و به جا است کمیته به نظارت و ارزیابی مجلات یاد شده بپردازد تا به ارتقای آنها منتهی شود.



نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

آسیب‌شناسی آکادمیای معاصر مطالعات قرآن و حدیث در ایران

قاسم درزی

استادیار پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی

gh_darzi@sbu.ac.ir

علیرغم رشد کمی مراکز دانشگاهی و افزایش شمار اساتید و دانش‌آموختگان رشته علوم قرآن و حدیث در ایران معاصر، کیفیت پژوهش‌های تولیدشده و هم‌چنین آموزش در این حوزه با چالش‌های ساختاری و روش‌شناختی عمده‌ای روبه‌رو است. این نوشتار با رویکردی آسیب‌شناختی به بررسی موانع بنیادین ارتقای آموزش و پژوهش در این رشته می‌پردازد و پنج محور اساسی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. نخستین آسیب، نبود «برنامه پژوهشی» مدون در فعالیت‌های اساتید است. برخلاف نظام آکادمیک بین‌المللی که در آن صاحب‌کرسی بودن یک استاد بر مبنای نظریه یا حوزه تخصصی مشخصی تعریف می‌شود، در فضای داخلی کمتر می‌توان اساتیدی را یافت که دارای ایده یا نظریه نوینی بوده و فعالیت‌های علمی خود را حول آن سامان داده باشند. این در حالی است که شمار مراکز و اعضای هیئت علمی در این رشته بسیار چشمگیر است. دوم، ضعف در سنت پژوهشی و آموزش جزیره‌ای است. در سنت‌های علمی موفق (اعم از حوزه‌های سنتی پیشین مانند مکاتب حوزوی، یا نظام‌های آکادمیک معاصر در آلمان، آمریکا و انگلستان)، شاهد سلسله‌ای از اساتید و شاگردان هستیم که یک نظریه یا دیدگاه را طی دهه‌ها پیش می‌برند. اما در آکادمیای ایران، این سنت پژوهشی تداوم نیافته و مراکز علمی به صورت جزیره‌ای

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

و بدون ارتباط ارگانیک فعالیت می‌کنند. سوم، قطع ارتباط با آکادمیای بین‌الملل است. بسیاری از دانش‌آموختگان این رشته حتی با نام برجسته‌ترین قرآن‌پژوهان یا حدیث‌پژوهان جهان آشنایی ندارند. این در حالی است که پیش‌فرض هر تحقیق علمی، آگاهی از پیشینه پژوهش به هر زبان ممکن است. ضعف فاحش در تسلط به زبان‌های خارجی، این معضل را تشدید کرده و به عاملی بازدارنده در بهره‌مندی از دستاوردهای جهانی تبدیل شده است. چهارم، اختلاط غیروشمند و بی‌ثمر فضای سنتی حوزه با فضای مدرن آکادمیک در برنامه درسی است. از آنجا که بنیانگذاران این رشته عمدتاً حوزوی بوده‌اند، برنامه اولیه آن بر متن‌خوانی و ادبیات عربی متمرکز شده و «روش علمی» و «نگاه انتقادی» که لازمه تولید علم در دوران مدرن است، جایگاهی نداشته است. این رویکرد در اصل به دنبال پرورش پژوهشگر نبوده، بلکه بر آشنایی با منابع اصلی متمرکز بوده است. پنجم، رویگردانی از مطالعات جدید و میان‌رشته‌ای است. مراکز علمی همچنان بر رویکردها و روش‌های سنتی اصرار دارند و تمایل اندکی به انجام پژوهش‌های نوین، میان‌رشته‌ای یا بهره‌گیری از نظریه‌های معاصر نشان می‌دهند. این وضعیت، رشته را از پویایی و پاسخگویی به مسائل نوظهور بازداشته است. در مجموع، خروج از وضعیت موجود نیازمند بازتعریف برنامه درسی، ترویج پژوهش‌های برنامه‌محور، ارتباط نظام‌مند با فضای بین‌الملل و گشودگی به روش‌ها و موضوعات میان‌رشته‌ای است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی؛ علوم قرآن و حدیث؛ سنت پژوهشی؛ آموزش و پژوهش جزیره‌ای؛ مطالعات میان‌رشته‌ای.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

شبکه‌های پویای انتقال تجربه در مطالعات دینی: الگویی

برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی

فاطمه حاجی اکبری

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کوثر بجنورد

Delaramaram22@gmail.com

در دهه‌های اخیر، تعاملات بین‌المللی و میان‌رشته‌ای به محور اصلی پیشرفت علمی در رشته‌های مختلف به ویژه علوم انسانی تبدیل شده است. پژوهشگران در کشورهای مختلف برای تولید دانش قابل اتکا نیازمند دسترسی به شبکه‌های علمی بین‌المللی و تجربه‌های عملی در کنفرانس‌ها و مجامع تخصصی هستند. حضور در چنین محیط‌هایی باعث می‌شود که پژوهشگران با شیوه‌های نوین ارائه و نقد علمی آشنا شوند، از جریان‌های پژوهشی نوین اطلاع پیدا کنند و ظرفیت تعامل میان‌رشته‌ای خود را تقویت نمایند.

با وجود این تحولات، دانشگاه‌های ایران همچنان با چالش‌هایی ساختاری در زمینه انتقال تجربیات بین‌المللی مواجه‌اند. بخش قابل توجهی از مشارکت‌های علمی اساتید ایرانی در کنفرانس‌ها و نشست‌های خارجی، به صورت فردی باقی می‌ماند و فاقد سازوکار ثبت، تحلیل و انتقال سازمان‌یافته است. در نتیجه، دانشی که می‌تواند به عنوان سرمایه جمعی مورد استفاده دانشگاه‌ها، گروه‌های آموزشی و پژوهشگران جوان قرار گیرد، در سطح تجربه شخصی محدود شده و وارد چرخه رشد علمی کشور نمی‌شود. این وضعیت

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

نه تنها موجب هدررفت ظرفیت‌های بین‌المللی می‌شود، بلکه امکان برنامه‌ریزی علمی مبتنی بر تجربه، شکل‌گیری همکاری‌های میان‌رشته‌ای و ارتقای جایگاه علمی ایران در سطح جهانی را نیز محدود می‌کند.

سرمایه‌گذاری بر تعاملات علمی و انتقال تجربیات، نه یک فعالیت جانبی، بلکه یک ضرورت حیاتی برای حرکت نظام آموزش عالی ایران به سوی استانداردهای جهانی و ایفای نقش مؤثر در تولید دانش بین‌المللی است. این پژوهش بر آن است با روش توصیفی تحلیلی الگویی برای «شبکه‌های انتقال تجربه» ارائه دهد؛ الگویی که بتواند تجارب فردی اساتید را به دانشی نظام‌مند، قابل استفاده و قابل انتقال تبدیل کند. غلبه بر چالش‌های فعلی نیازمند عزمی ملی، نگاهی استراتژیک و حرکت گام‌به‌گام و صبورانه است. باید پذیرفت که هزینه سرمایه‌گذاری برای باز کردن درهای دانشگاه به روی جهان، به مراتب کمتر از هزینه‌های مادی و معنوی انزوا و عقب‌ماندگی علمی است.

واژگان کلیدی: ارتباطات بین‌المللی دانشگاهی، دیپلماسی علمی، کنفرانس‌های بین‌المللی، همکاری‌های پژوهشی، تجربه‌نگاری علمی.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

کاربست هوش مصنوعی در تحلیل رایانشی و مدل‌سازی نظام‌مندی‌های مفهومی قرآن کریم با تأکید بر مطالعات اسلامی دیجیتال و کمی‌سازی داده‌های کیفی

زینب حاجی محمدی

استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن دانشگاه شهیدبهشتی

z_hajimohammadi@sbu.ac.ir

در دهه‌های اخیر، مطالعات قرآنی از چارچوب‌های صرفاً سنتی و تک‌رشته‌ای فاصله گرفته و به‌سوی رویکردهای میان‌رشته‌ای، داده‌محور و فناوریانه حرکت کرده است. این تحول، متأثر از گسترش علوم انسانی دیجیتال، توسعه پردازش زبان طبیعی، رشد هوش مصنوعی، و امکان تحلیل محاسباتی متون دینی و میراث اسلامی است. در چنین فضایی، قرآن‌پژوهی معاصر نیز با پرسش‌های جدیدی مواجه شده است: آیا می‌توان از هوش مصنوعی برای تحلیل ساختارهای زبانی، مفهومی و شبکه‌ای قرآن بهره برد؟ آیا فناوری‌های نوین می‌توانند به فهم نظام‌مندی‌های درونی متن قرآن، تحلیل روابط میان‌موضوعی آیات، یا بازخوانی روشمند برخی مباحث مرتبط با اعجاز قرآن یاری رسانند؟ و مهم‌تر از آن، آیا می‌توان بخشی از داده‌ها و یافته‌های کیفی در مطالعات قرآنی را به کمک ابزارهای هوشمند، در قالب‌هایی ساخت‌یافته‌تر، سنجش‌پذیرتر و قابل تحلیل مجدد ارائه کرد؟

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

در سال‌های اخیر، مفهوم مطالعات اسلامی دیجیتال به‌عنوان یکی از شاخه‌های نوظهور در فضای دانشگاهی جهانی مطرح شده است. این حوزه با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال، پیکره‌های متنی، پایگاه‌های داده، روش‌های متن‌کاوی و تحلیل رایانشی، امکان بازاندیشی در شیوه مطالعه متون اسلامی را فراهم آورده است. در این میان، قرآن به‌عنوان متنی بنیادین، از ظرفیت بسیار بالایی برای تحلیل‌های رایانشی برخوردار است؛ زیرا از یک‌سو متن آن تثبیت‌شده، محدود و دقیق است و از سوی دیگر، لایه‌های زبانی، بلاغی، مفهومی و تفسیری آن بسیار گسترده و پیچیده‌اند. همین ویژگی دوگانه موجب می‌شود که قرآن، هم برای تحلیل‌های محاسباتی مناسب باشد و هم در برابر تقلیل‌گرایی فناورانه مقاومت کند. بنابراین، هرگونه بهره‌گیری از هوش مصنوعی در این حوزه نیازمند دقت نظری، احتیاط روش‌شناختی و مرزبندی روشن میان تحلیل فنی و تفسیر معنایی است.

یکی از عرصه‌های مهم در این زمینه، قرآن‌کاوی رایانشی است. مقصود از قرآن‌کاوی رایانشی، به‌کارگیری روش‌های متن‌کاوی، داده‌کاوی، تحلیل شبکه، مدل‌سازی معنایی و پردازش زبان طبیعی برای استخراج الگوها، روابط و ساختارهای نهفته در متن قرآن است. از طریق این رویکرد می‌توان به بررسی بسامد واژگان، هم‌رخدای مفاهیم، خوشه‌بندی موضوعی، شباهت‌های معنایی، روابط بین سوره‌ای و بین آیه‌ای، و حتی بازنمایی شبکه‌ای مضامین قرآنی پرداخت. این امکانات، به‌ویژه در مطالعه سیستم‌های قرآنی اهمیت می‌یابد؛ یعنی در جایی که پژوهشگر می‌کوشد از سطح تحلیل خطی آیات فراتر رود و به شناسایی الگوهای کلان، انسجام ساختاری، شبکه‌های مفهومی و معماری معنایی متن قرآن دست یابد.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

در کنار این مسئله، مباحث مربوط به اعجاز قرآن و به‌ویژه اعجاز علمی قرآن نیز در دوران معاصر با شرایط جدیدی مواجه شده‌اند. از یک‌سو، این حوزه همواره مورد توجه قرآن‌پژوهان، متکلمان و مفسران بوده و از سوی دیگر، در روزگار ما با ورود داده‌های علمی، نظریه‌های جدید و ابزارهای پردازشی، امکان طبقه‌بندی، مقایسه و تحلیل گسترده‌تر داده‌ها فراهم شده است. با این حال، یکی از چالش‌های مهم در این حوزه، نبود چارچوبی دقیق برای ارزیابی روشمند دعاوی اعجاز‌پژوهانه است. بسیاری از پژوهش‌ها یا در سطح اثبات گرایانه و خطابی باقی می‌مانند یا از منظر انتقادی، نسبت به تحمیل یافته‌های متغیر علوم تجربی بر متن قرآن هشدار می‌دهند. در این میان، هوش مصنوعی می‌تواند نه به‌عنوان داور نهایی حقیقت، بلکه به‌عنوان ابزاری برای دسته‌بندی داده‌ها، مقایسه الگوهای استدلالی، کشف روابط میان‌متنی و صورت‌بندی دقیق‌تر دعاوی مورد استفاده قرار گیرد.

مسئله مهم دیگر، نسبت میان پژوهش‌های کیفی قرآنی و امکان کمی‌سازی بخشی از داده‌های آن‌ها است. بخش عمده مطالعات قرآنی، تفسیری، معناشناختی و مفهومی، در چارچوب تحلیل‌های کیفی صورت می‌گیرد. این نوع پژوهش‌ها واجد عمق معنایی، دقت تفسیری و حساسیت هرمنوتیک هستند، اما در بسیاری موارد از بازنمایی ساخت یافته، سنجش‌پذیر و قابل مقایسه محروم می‌مانند. در مقابل، روش‌های نوین هوش مصنوعی و تحلیل داده این ظرفیت را دارند که بخشی از مضامین، کدهای مفهومی، پیوندهای موضوعی و الگوهای تفسیری را در قالب داده‌های ساخت یافته، ماتریس‌های مفهومی، نمودارهای ارتباطی و مدل‌های کمی بازنمایی کنند. مقصود از این کمی‌سازی، جایگزین کردن عدد به جای معنا نیست؛ بلکه مقصود، تقویت قدرت تحلیل، مقایسه، بازتولیدپذیری

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

و شفافیت در بخشی از فرایند پژوهش است.

با وجود گسترش پژوهش‌ها در حوزه‌های هوش مصنوعی، علوم انسانی دیجیتال، مطالعات اسلامی دیجیتال، متن‌کاوی دینی و حتی برخی کاربردهای پردازش زبان طبیعی در متون عربی، هنوز در فضای پژوهشی فارسی‌زبان و حتی در بخش مهمی از مطالعات اسلامی، چارچوبی منسجم برای تبیین کاربرست هوش مصنوعی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن شکل نگرفته است. به‌ویژه خلأیی جدی در پیوند دادن پنج حوزه مهم مشاهده می‌شود: هوش مصنوعی و روش‌شناسی علوم انسانی؛ مطالعات اسلامی دیجیتال؛ قرآن‌کاوی رایانشی؛ تحلیل نظام‌مندی‌های قرآنی و اعجاز‌پژوهی؛ کمی‌سازی داده‌های کیفی در مطالعات قرآنی.

بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های هوش مصنوعی، نه صرفاً در سطح ابزارهای فنی، بلکه در سطح روش‌شناسی پژوهش قرآنی بهره‌گرفت؛ به‌گونه‌ای که هم پیچیدگی معنایی و تفسیری متن قرآن حفظ شود، و هم امکان تحلیل ساختاری، داده‌محور و تا حدی کمی برای بخشی از داده‌های کیفی فراهم آید. اهمیت این مسئله از آن روست که در صورت تبیین صحیح، می‌تواند افق تازه‌ای در قرآن‌پژوهی معاصر بگشاید و زمینه را برای شکل‌گیری نسل جدیدی از مطالعات قرآنی، با تلفیق دقت تفسیری و توان تحلیلی فناوری، فراهم سازد. البته تلاش پژوهشگران و اساتید به خصوص در زمینه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و به خصوص پژوهش‌کننده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی در این راستا قابل تقدیر هست. پژوهش‌کننده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن طی ارایه ده دوره رشته‌های علوم قرآنی -

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

اعجاز و قرآن‌کاوی رایانشی در مقطع کارشناسی ارشد؛ این فعالیتها را برای اولین بار در جهت استفاده از هوش مصنوعی و داده‌کاوی در قرآن انجام داده است. استفاده از فناوری‌های نوین به خصوص هوش مصنوعی در سطحی روش‌شناختی (نه صرفاً ابزاری) برای تحلیل ساختاری و مفهومی قرآن و نیز کمی‌سازی بخشی از داده‌های کیفی را به صورت علمی و روشمند انجام داده‌اند، بدون آنکه به تقلیل معنایی متن بینجامد. این تلاش‌ها منجر به رویکرد جدید مطالعات میان رشته‌ای قرآن هست که ترکیبی از پژوهش‌هایی در زمینه متن‌کاوی قرآن، تحلیل آماری واژگان و طبقه‌بندی موضوعی با حوزه‌هایی مانند تحلیل نظام‌مندی‌های قرآنی، اعجاز قرآن و اعجاز علمی و تبدیل داده‌های کیفی تفسیری به داده‌های ساخت‌یافته را شامل می‌شود.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

فهم و نقد نصوص دینی در فرآیند سه گانه تحلیل

محمد عترت دوست

دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

Etratdoost@sru.ac.ir

خوانش و فهم صحیح و کامل نصوص دینی و سپس نقد و بررسی و در نهایت نظریه پردازی و استخراج قواعد و قوانین علمی، نیازمند تجزیه و تحلیل دقیق و نظام‌مند آنهاست. از آنجا که مواجهه با آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت (ع)، نیازمند منطق خاص خود بوده و از قواعد مشخصی تبعیت می‌کند، لذا پرداختن به روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و متناسب با این نصوص، الزامی است. در این متن پژوهی نیز باید توجه داشت که تجزیه و تحلیل در یک فرایند سه گانه به صورت رفت و برگشتی کامل می‌شود. بنابراین دین پژوهان می‌بایست در هنگام استفاده از روش‌های تحقیقی که متناسب با متن نصوص دینی، بومی سازی شده و کاربرست پیدا کرده، به فرایندهای سه گانه تحلیل «درمتنی»، «بامتنی» و «فرامتنی» توجه ویژه داشته باشند. تحلیل‌های درمتنی، به جزئیات واژه همانند ریشه‌شناسی، ساخت‌شناسی و تبارشناسی می‌پردازد. تحلیل‌های بامتنی نیز در قالب روش‌هایی مثل تحلیل محتوا، تحلیل مضمون، تحلیل مؤلفه و تحلیل زمینه‌ای بسط و گسترش یافته است. تحلیل‌های فرامتنی نیز امروزه با روش‌های مانند تحلیل گفتمان، روایت‌شناسی، تاریخ‌انگاره و پدیدارشناسی قابل دستیابی هستند. اگر محقق بتواند برای فهم یک متن اولاً به فرایند سه گانه تحلیل توجه ویژه پیدا کرده و ثانیاً در هر بخش، روش

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تحقیق مناسب خود را شناسایی و اجرا نماید، در نهایت می‌تواند مدعی طی مسیر صحیح برای فهم نصوص دینی شود.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تبیین ضرورت توجه به مطالعات تطبیقی در علوم قرآن

و حدیث

مهدی حیاتی

استادیار دانشگاه شهیدچمران اهواز

mehdi.hayati@scu.ac.ir

مطالعات تطبیقی در علوم قرآن و حدیث، به عنوان ابزاری کلیدی برای فهم عمیق‌تر متون دینی، نقش حیاتی در شناسایی تفسیرهای متنوع و زمینه‌های فرهنگی و تاریخی ایفا می‌کند. این رویکرد نه تنها به تحلیل تعارضات فکری و تکامل اندیشه دینی کمک می‌کند، بلکه با برجسته کردن جنبه‌های مشترک بحث، به همگرایی و همبستگی امت اسلامی کمک می‌کند. بر اساس بررسی منابع، ضرورت توجه به این مطالعات از این واقعیت ناشی می‌شود که بدون مقایسه با سنت‌های دیگر، فهم جامع از قرآن و حدیث ناقص باقی می‌ماند و چالش‌هایی مانند ترجمه‌های نادقیق یا تفسیرهای یک‌جانبه ادامه می‌یابد. یافته‌های کلیدی حاکی از آن است که مطالعات تطبیقی، با تمرکز بر روش‌های تفسیری دقیق، به شناسایی نقاط تقاطع میان ادیان ابراهیمی کمک می‌کند و تفسیرهای قرآن را در زمینه‌های اجتماعی-سیاسی غنی می‌سازد. برای مثال، مقایسه دیدگاه‌های مسیحیت و اسلام در مورد روح القدس، شباهت‌های مفهومی را آشکار می‌کند و زمینه‌ای برای گفتگوی بین‌ادیانی فراهم می‌آورد. اهمیت این رویکرد در جوامع چندفرهنگی مانند

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

ایران برجسته است، جایی که تفسیرهای جامعه‌شناختی قرآن به حل مسائل معاصر یاری می‌رساند.

با این حال، شکاف‌هایی در تحلیل‌های علوم حدیث، به ویژه در مطالعات شرق‌شناسان، وجود دارد که نیاز به تحقیقات بیشتر را برجسته می‌کند. پیامدهای اصلی این مطالعات شامل تقویت فهم جهانی از متون اسلامی و ترویج تفسیرهای دقیق است که می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های آموزشی و حقوقی کمک کند. در نهایت، این رویکرد نه تنها به غنای علمی علوم قرآن و حدیث می‌افزاید، بلکه به عنوان ابزاری برای صلح و همزیستی در دنیای متنوع عمل می‌کند.

علوم قرآن و حدیث، به عنوان پایه‌های فکری اسلام، از دوران اولیه اسلامی تا عصر معاصر، شاهد تکامل تفسیرها و روش‌های تحلیلی بوده‌اند. در دنیای امروز، با افزایش تعاملات فرهنگی و جهانی‌سازی، نیاز به رویکردهای تطبیقی برای فهم این متون بیش از پیش احساس می‌شود. مطالعات تطبیقی، که شامل مقایسه تطبیقی بین دو منظومه فکری یا دو نظام فکری یا دو مکتب فکری یا دو دیدگاه فکری یا دو متفکر است، یا بین سنت‌های فکری یا حتی علوم مدرن است، به حل تعارضات در فهم متون و شناسایی لایه‌های پنهان معنایی کمک می‌کند. در ایران و جوامع اسلامی، این مطالعات می‌تواند به غنی‌سازی تفسیرهای سنتی منجر شود و ثمرات فراوانی را به جامعه علمی عرضه کند.

تفسیرهای جامعه‌شناختی قرآن در ایران، با استفاده از روش‌های تطبیقی، به ادغام دانش دینی و علمی می‌پردازد و تفسیرهای کاربردی را در زمینه‌های معاصر در بستر نیازهای جامعه غنی می‌سازد. مطالعات تطبیقی، با شناسایی نقاط تقاطع، به حل تعارضات

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

در خصوص فهم متن کمک می‌کند و فهم قرآن و حدیث را از حالت ایستا به پویا تبدیل می‌نماید. پیامد جهانی آن، تقویت گفتگوی بین‌ادیانی و کاهش تعصبات است. با این حال، چالش‌هایی مانند زبان‌های باستانی در ترجمه‌ها، دسترسی را محدود می‌کند.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

هوش مصنوعی و تحول روش پژوهش در علوم قرآن و حدیث:

فرصت‌ها، مخاطرات و چالش‌های معرفت‌شناختی

الهه‌ها دیان رسانی

دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث

hadian.e@hadith.ir

ورود هوش مصنوعی به عرصه پژوهش‌های علوم انسانی، به‌ویژه علوم قرآن و حدیث، فرصت‌ها و در عین حال آسیب‌های جدی پدید آورده است. هرچند این فناوری می‌تواند در برخی مراحل پژوهش به‌عنوان ابزاری کمکی مورد استفاده قرار گیرد، اما سپردن فهم متن وحی به الگوریتم‌هایی فاقد فهم انسانی، ادراک معنایی و مسئولیت معرفتی، خطری جدی است. مسئله اصلی آن است که آیا می‌توان فهم قرآن و حدیث را به سامانه‌هایی واگذار کرد که نه مراد متن را درک می‌کنند، نه قدرت اجتهاد دارند و نه در برابر حقیقت دینی مسئولیتی احساس می‌کنند؟

مهم‌ترین آسیب هوش مصنوعی در مطالعات علوم قرآن و حدیث، فقدان اجتهاد انسانی است. هوش مصنوعی هرچند توان پردازش حجم عظیمی از داده‌ها را دارد، اما فاقد فهم انسانی، تشخیص حجیت، درک سیاق، فهم مراد هدایتی آیات و آشنایی حقیقی با قواعد اجتهادی است. از این رو، نمی‌تواند «اجتهاد دینی» و تولید اصیل معنای دینی را انجام دهد؛ زیرا اجتهاد دینی فراتر از گردآوری و تحلیل اطلاعات است و نیازمند تأمل عالمانه،

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

درک تاریخی، ادبی، کلامی و معرفتی و فهم انسانی از مراد متن وحی است؛ فهمی که در بستر زیست علمی، تجربه پژوهشی و قدرت استنباط شکل می‌گیرد، نه صرف پردازش داده‌ها.

برای نمونه، درباره تعبیر «هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا» (قصص: ۳۴)، مفسران دیدگاه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند که برخی از آن‌ها با مسئله عصمت انبیا به‌سختی قابل جمع است. در پژوهشی علمی (توسط اینجانب)، با تکیه بر ریشه لغوی «فصح» (خلوص) و سیاق آیات، دیدگاهی ارائه شده که بر اساس آن، مقصود فصاحت لفظی نیست؛ بلکه هارون(ع) به دلیل نداشتن پیشینه قتل در مصر، در نگاه مردم و دستگاه فرعون از پذیرش اجتماعی بیشتری برخوردار بود. این برداشت حاصل تأمل در ریشه لغت، سیاق آیات، فضای اجتماعی داستان و مسئله عصمت است؛ امری که هوش مصنوعی فاقد قدرت دستیابی به آن است. الگوریتم‌ها می‌توانند اقوال را جمع‌آوری کنند، اما قدرت اجتهاد و تولید فهم نوآورانه تفسیری را ندارند. از همین رو، اتکای افراطی به هوش مصنوعی در پژوهش‌های قرآنی و حدیثی، به تدریج موجب توقف تولید علم، رکود اجتهاد تفسیری و کاهش خلاقیت علمی خواهد شد.

آسیب دوم، کاهش فرهنگ مطالعه عمیق و کتاب‌خوانی در میان پژوهشگران است. امروزه بسیاری از پاسخ‌ها به سرعت از طریق ابزارهای هوش مصنوعی دریافت می‌شود و همین امر سبب می‌شود پژوهشگر کمتر به سراغ مطالعه مستقیم منابع برود. در گذشته، پژوهشگر هنگام تورق کتاب‌ها، افزون بر مطلب اصلی، با نکات حاشیه‌ای، دیدگاه‌های فرعی و ظرایف علمی متعددی آشنا می‌شد و همین فرایند، بخشی از تربیت علمی او را

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

شکل می‌داد. سنت ارزشمند حاشیه‌نویسی عالمان بر کتاب‌ها نیز نوعی تولید دانش و گفت‌وگوی علمی میان نسل‌ها بود که با گسترش استفاده سطحی از هوش مصنوعی، در معرض فراموشی قرار گرفته است.

آسیب سوم، فقدان احاطه دقیق هوش مصنوعی بر منابع تفسیری و حدیثی اسلامی است. این سامانه‌ها در بسیاری موارد، اطلاعات نادرست یا ناقص ارائه می‌کنند و گاه با ترکیب برخی داده‌های صحیح و ناصحیح، تصویری غیرواقعی از دیدگاه مفسران به دست می‌دهند. برای مثال، هنگامی که درباره نظر یک مفسر خاص پرسش می‌شود، ممکن است هوش مصنوعی مطالبی را به او نسبت دهد که اساساً در آثار وی وجود ندارد. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری نسلی از دانشجویان و پژوهشگران است که با اعتماد بیش از حد به این ابزارها، بر پایه اطلاعات نادرست تربیت می‌شوند.

در برابر این آسیب‌ها، لازم است راهکارهایی علمی و روش‌مند ارائه شود. نخست آن‌که موضوعات پژوهشی‌ای تعریف شوند که نیازمند فهم و اجتهاد انسانی باشند؛ مانند استخراج سیر تطور تفاسیر درباره آیات قرآن. در چنین موضوعاتی، پژوهشگر باید شخصاً داده‌ها را از منابع تفسیری استخراج کند، هرچند در مراحل دسته‌بندی، تحلیل اولیه یا تدوین، بتواند از هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار پژوهشی بهره گیرد. در بخش‌هایی که نیازمند فهم اصیل و اجتهاد علمی است، نقش انسان جایگزین‌ناپذیر خواهد بود. توجه به این موضوعات می‌تواند مانع رکود تولید علم در میان پژوهشگران شود. در همین راستا، اینجانب نیز کلان‌پروژه‌ای را با همین هدف تدوین کرده‌ام که هم‌اکنون در دانشگاه قرآن و حدیث در مراحل تصویب قرار دارد.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

راهکار دوم، اصلاح آیین‌نامه‌های استفاده از هوش مصنوعی در پژوهش، از منظر معرفت‌شناختی و روش‌شناختی است. امروزه حتی اگر پژوهشگری متنی را شخصاً نگاشته باشد، اما در ویرایش آن از هوش مصنوعی کمک بگیرد، برخی سامانه‌های تشخیص متن، کل اثر را تولید هوش مصنوعی معرفی می‌کنند. این مسئله نشان می‌دهد که مرز میان «کمک پژوهشی» و «تولید متن» هنوز شفاف نشده است. از این رو، تدوین ضوابط دقیق برای نحوه استفاده از هوش مصنوعی در پژوهش‌های علوم انسانی و اسلامی، ضرورتی جدی است.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

مهارت مسئله‌یابی؛ حلقه‌ای مفقوده در فرآیند پژوهش

دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث

میثم کهن‌ترابی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بزرگمهر قاننات

Kohantorabi@buqaen.ac.ir

یکی از معضلات جدی و کمتر مورد توجه در آموزش دانشگاهی رشته «قرآن و حدیث»، ناتوانی نظام آموزشی در آموزش مهارت مسئله‌یابی پژوهشی است. برخلاف تصور رایج، مشکل اصلی نه فقدان استعداد در میان دانشجویان و نه کم‌کاری آنان در مطالعه منابع است. مسئله در وهله نخست، ضعف ساختاری در آموزش پژوهش است. دانشجویان تحصیلات تکمیلی بارها با این پرسش بنیادین مواجه‌اند که «مسئله پژوهش من دقیقاً چیست؟» و غالباً پاسخی روشن نمی‌یابند، زیرا اساساً نیاموخته‌اند که مسئله چگونه و از کجا پدید می‌آید. در آموزش رایج قرآن و حدیث، همچنان «موضوع» جای «مسئله» را گرفته است. دانشجو می‌تواند عناوینی آشنا و تکرارشونده پیشنهاد کند، اما نمی‌داند پژوهش علمی زمانی معنا پیدا می‌کند که به یک خلأ معرفتی، تعارض تفسیری، اختلاف روشی یا پرسشی حل نشده در ادبیات موجود پاسخ دهد. نتیجه آن است که بخش قابل توجهی از پایان‌نامه‌ها و مقالات، در سطح گزارش اقوال و بازنویسی آثار پیشین باقی می‌مانند؛ پژوهش‌هایی که اگرچه از حیث نقل منظم‌اند، اما فاقد مسئله‌اند و در عمل دانشی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

را پیش نمی‌برند. این وضعیت تا حد زیادی به ناتوانی برخی اساتید در آموزش پژوهش مسئله‌محور بازمی‌گردد. بسیاری از مدرسان قرآن و حدیث در چارچوبی تربیت شده‌اند که ارزش علمی پژوهش در کثرت منابع و گستردگی نقل سنجیده می‌شد، نه در قدرت طرح مسئله و تحلیل انتقادی. چنین رویکردی، ناخواسته بازتولید می‌شود و آموزش پژوهش به آموزش گردآوری مطالب تقلیل می‌یابد. نکته نگران‌کننده آن است که این ضعف، در شرایطی تداوم یافته که در چند دهه اخیر، مطالعات قرآنی و حدیثی در غرب به شدت مسئله‌محور شده‌اند. پژوهش‌هایی از پژوهشگرانی چون جان ونزبرو، اندرو ریپین، گابریل سعید رینولدز، نیکولای سینای و آنجلیکا نویورت، و در حوزه حدیث از هارالد موتسکی، گرگور شولر و یوناتان براون، با طرح پرسش‌هایی درباره تاریخ شکل‌گیری متن، ساختار گفتمانی قرآن، تاریخ‌گذاری روایات و نسبت حدیث و فقه، افق‌های تازه‌ای گشوده‌اند. با این حال، برخی از اساتید دانشگاهی در داخل یا از این ادبیات بی‌اطلاع‌اند یا ارتباطی محدود و غیرنظام‌مند با آن دارند؛ نتیجه آنکه دانشجو اساساً با منطق پژوهش مسئله‌محور آشنا نمی‌شود.

ضعف آموزش مسئله‌یابی تنها در مرحله تولید پایان‌نامه یا مقاله آشکار نمی‌شود، بلکه حتی در فرآیند گزینش دانشجوی دکتری نیز خود را نشان می‌دهد. مصاحبه‌های دکتری در بسیاری از موارد همچنان بر محور پرسش از منابع کلاسیک، محفوظات و متون پیشین می‌چرخد؛ منابعی که گاه دهه‌هاست در سرفصل‌ها تکرار می‌شوند. کمتر از داوطلب انتظار می‌رود که مسئله‌ای نو طرح کند، نسبت خود را با ادبیات پژوهشی معاصر توضیح دهد، یا نشان دهد قرار است پژوهش او چه خلأیی را پر کند. این رویه به روشنی پیام

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

می‌دهد که حتی در بالاترین سطح تحصیلات، «نوآوری مسئله‌محور» اولویت ندارد. درس «روش تحقیق» نیز که می‌توانست نقطه کانونی اصلاح این وضعیت باشد، در عمل همچنان از ایفای نقش خود بازمانده است. اگرچه در سال‌های اخیر در برخی دانشگاه‌ها این درس با عنوان «روش تحقیق رایانه‌ای» بازتعریف شده، اما این تغییر بیش از آنکه ماهوی باشد، شکلی است. در این رویکرد، دانشجو می‌آموزد چگونه با استفاده از نرم‌افزارها، پایگاه‌های داده و ابزارهای دیجیتال، همان مسیر پیشین را صرفاً سریع‌تر طی کند: جست‌وجوی منابع، فیش‌برداری و سامان‌دهی مطالب. آنچه همچنان غایب است، آموزش مهارت مسئله‌یابی، تحلیل منازعات علمی و تشخیص خلأ پژوهشی است. به بیان دیگر، روش تحقیق رایانه‌ای یاد می‌دهد چگونه پژوهش‌های غیرمسئله‌مند را کارآمدتر تولید کنیم، نه اینکه چگونه مسئله را درست تشخیص دهیم. پیامد این مجموعه کاستی‌ها روشن است: تکرار عناوین، فقر نوآوری، گسست مطالعات قرآن و حدیث از مسائل زنده جهان معاصر، و ناتوانی دانش‌آموختگان در ورود جدی به گفت‌وگوهای علمی بین‌المللی. تا زمانی که آموزش و گزینش دانشگاهی بر حفظ منابع پیشین به جای پرورش ذهن مسئله‌مند استوار باشد، تولید پژوهش‌های اثرگذار بیش از آنکه واقعیت باشد، یک شعار باقی خواهد ماند. بازاندیشی در آموزش پژوهش در قرآن و حدیث، دیگر یک انتخاب اختیاری نیست، بلکه ضرورتی علمی و نهادی است. آموزش مسئله‌یابی، تمرین عملی تحلیل پژوهش‌های مسئله‌محور، مواجهه نقادانه با مطالعات معاصر، اصلاح محتوای درس روش تحقیق — اعم از سنتی و رایانه‌ای — و بازنگری در معیارهای مصاحبه‌های دکتری، شرط لازم برای خروج این رشته از وضعیت رکود توصیفی است. بی‌توجهی به این امر، به معنای ادامه تولید پژوهش‌هایی است که نوشته می‌شوند، اما مسئله‌ای را حل نمی‌کنند.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

اشتغال

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

الهیات کارآفرین و تجارب بین المللی

محمود واعظی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

mvaezi@ut.ac.ir

کارآفرینی الهیاتی عبارت است از بکارگیری آموزه‌ها و منابع دینی در جهت ایجاد و توسعه نهادها، برنامه‌ها و پروژه‌هایی که هدف آن‌ها پاسخگویی به نیازهای معنوی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی جامعه است. این نوع کارآفرینی، فراتر از فعالیت‌های صرفاً تبلیغی، به دنبال خلق ارزش‌های جدید، نوآوری در مدل‌های دینی و تلفیق ایمان با زندگی روزمره است. مسأله اصلی این تحقیق تحلیل الهیات کاربردی و کارآفرین و کارکرد مؤسسات الهیاتی‌ای است که توانسته‌اند در جهان معاصر، نقش فعال، نوآورانه و الگویی را در فضای دینی و اقتصادی جامعه ایفا کنند. این تحقیق که با روش کتابخانه‌ای و تحلیل رویکردهای کاربردی انجام شده، در سه محور عمده ساماندهی شده است: اولاً تبیین مفهوم الهیات کاربردی و کارآفرین. ثانیاً، شناخت و معرفی نمونه‌هایی از نهادهای الهیاتی کارآفرین در جهان مسیحیت و اسلام. ثالثاً، تحلیل تطبیقی چالش‌ها و فرصت‌ها در جهان غرب و جهان اسلام. بدیهی است، پرداختن به این موضوع، می‌تواند افق‌های تازه‌ای را پیش روی سیاست‌گذاران فرهنگی، فعالان مذهبی و پژوهشگران الهیات بگشاید؛ به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند نهادسازی دینی، اقتصاد مقاومتی، عدالت اجتماعی و تقویت دینداری

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

کاربردی در نسل‌های جدید.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

سنگش اثربخشی دوره‌های آموزشی بر آینده شغلی دانشجویان

و فارغ‌التحصیلان علوم قرآن و حدیث

روح‌الله محمدعلی نژاد عمران

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی

r_alinejad_omran@yahoo.com

یکی از رسالت‌های آموزش عالی، تربیت نیروی متخصص و متعهد است؛ چراکه نیروی متخصص و کارآمد در توسعه هر کشور نقشی اساسی ایفا می‌کند. بنابراین، ایجاد اشتغال و استفاده از خدمات آن باید در زمره مشغولیت‌های مهم هر سیستم آموزش عالی باشد تا بتواند با استفاده مناسب از این سرمایه بی‌بدیل و سرنوشت ساز، کشور را به سمت توسعه روزافزون سوق دهد. یکی از سیاست‌های کلی آموزش عالی، پرورش نیروهای مستعد برای تزریق به بازار کار است (بورهان‌تین و همکاران، ۲۰۱۱). از طرفی برقراری ارتباط مناسب بین نیروی انسانی تربیت شده و نیازهای اجتماعی و نیز اقتصادی ملی از مواردی است که باید به آن توجه کرد (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۴). همواره رابطه بین بازار کار و دانشگاه از جمله چالش‌های جدی و مهم مابین نظام آموزش عالی و نظام اقتصادی کشور بوده است. ضرورت توسعه دانش و مهارت‌های قرآنی در کشورهای اسلامی در حال توسعه از آنجا ناشی می‌شود که عدم ارتقای سطح فرهنگی و عدم استحصال دانش‌های قرآن بنیان و مدرن نبودن نظامات تمدنی این کشورها اصلی‌ترین

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

عامل آسیب‌پذیری و بالا بودن هزینه‌های فرهنگی و اقتصادی در آنهاست. به همین دلیل، توسعه منابع انسانی در حوزه‌های مرتبط با دانش‌های بینارشته‌ای قرآنی امری حیاتی است. در چنین شرایطی، توسعه آموزش‌های مهارتی چه به صورت دوره‌های دانشگاهی و چه غیر آن برای همه کشورها و به طور خاص برای کشور ما الزامی به نظر می‌رسد. مخاطبان آموزش‌های قرآنی در سطح بنگاه را مدیران ارشد، مدیران اجرایی، و کارشناسانی که با توسعه، کسب و بهره‌برداری از تکنولوژی سر و کار دارند تشکیل می‌دهند. با بررسی نیازهای آموزشی این گروه درمی‌یابیم که این افراد باید قادر باشند مفاهیم علوم و معارف قرآنی را با مفاهیم مدیریت کسب‌وکار ادغام و یکپارچه کنند. به علاوه باید بتوانند آموخته‌های خود را مستقیماً در مسیر تحقق اهداف سازمانی (کسب‌وکار یا مأموریت) به کار گیرند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد انتقاد از برنامه‌های آموزشی که نقش رهبری در فراگیری مهارت‌های کاربردی به دانشجویان را دارد، به خاطر کمبود تجربه‌های کاری در بین دانشجویان اخیراً افزایش یافته است. انتظارات شغلی آن گروه از مشاغل را شامل می‌شود که فرد در آینده آرزو دارد به آنها دست یابد. در واقع انتظارات شغلی بر خواست‌ها و امیال استوار می‌باشند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد در حال حاضر یکی از مشکلات و بحرانهای اجتماعی، مسأله‌ی اشتغال و آینده‌ی شغلی جوانان و به ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و تأمین انتظارات آنان است (حسین‌وند و همکاران ۱۳۹۳).

از مهمترین چالش‌های اشتغال عدم تناسب بین محتوای آموزشی با مهارت‌های شغلی، مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ‌التحصیلان، عدم تناسب بین

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

ظرفیت پذیرش دانشجو و نیاز آتی بازار کار، رواج نیافتن فرهنگ کارآفرینی و کم بودن تعداد کارآفرینان است. آیا آموزش عالی توانسته است همزمان و توأمان مهارت و دانش مورد نیاز در کسب و کار آینده را به دانشجویان ارائه دهد؟ چیزی که در کشور ما مشهود است عدم تجربه کاری مناسب فارغ التحصیلان و نداشتن مهارت کافی بعد از دوره دانش آموختگی است. لذا به نظر می‌رسد، باید برنامه‌های آموزش عالی در برگیرنده توأم دانش و مهارت باشد. چیزی که بتواند انتظارات کارفرمایان و حتی خود دانشجویان و کارکنان را برآورده سازد. با توجه به موارد بالا انجام تحقیق مورد نظر از وجوه زیر حائز اهمیت است:

اول اینکه در شرایط کنونی تحریم‌های بین‌المللی و همزمان با نیاز شدید کشور به حل معضل بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی، ضرورت دارد تا با بررسی مناسب دوره مورد نظر و شناخت درست فرصت‌های شغلی ایجادکننده آن با توجه به چالش‌های پیش روی آن به بررسی اثرگذاری آن بر آینده شغلی فارغ التحصیلان این رشته بپردازیم، تا با مشخص شدن مزایای دوره مورد نظر بر کیفیت سطح دانشی و مهارتی منابع انسانی کشور، جامعه را مجاب به استفاده از دانش فارغ التحصیلان آن نمائیم.

دروانی شناسایی نقاط قوت و ضعف دوره‌ی مورد نظر در ایجاد ارتباط مناسب بین دانشجویان و مجامع کاری، می‌تواند به ارتقاء کیفیت برگزاری این دوره‌ها منجر شده و مسیر شغلی آینده‌ی دانشجویان را هموارتر از گذشته نماید.

ثالثاً با توجه به افق بلند مدت چشم‌انداز بیست ساله کشور در کاهش نرخ بیکاری و حل این معضل، رسیدن به این مهم بی‌شک نیازمند بررسی اثرگذاری دوره‌های دانشگاهی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

متعددی که هم اکنون در دانشگاه‌های کشور در حال برگزاری می‌باشد. یکی از دوره‌های دانشگاهی مؤثر که با توجه به نیاز کشور به گام برداشتن در مسیر پیشرفت و توسعه از سوی سیاست‌گزاران آموزش عالی کشور مصوب شده است رشته علوم قرآن و حدیث می‌باشد که با بررسی درست و اصولی مزایا و معایب این دوره می‌توان کمک شایانی به رفع موانع جذب فارغ‌التحصیلان آن در جوامع شغلی کشور و بازار کار نمود و گامی هرچند کوچک در نیل به سوی چشم‌انداز بیست ساله در رفع معضل بیکاری برداشت چرا که یکی از وظایف کلان مدیریتی کشور آینده‌نگری درباره جمعیت عظیم فارغ‌التحصیلان و برنامه‌ریزی برای اشتغال آنان است. حل مسئله بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی همانگونه که تجربه‌های کشورهای دیگر نشان داده است نیازمند بررسی نیازها و ویژگی‌های تقاضای بازار، همچنین انتظارات و توقع‌های منابع انسانی است.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

میان‌رشته‌ای‌سازی در الهیات با تأکید بر «مترجمی متون

اسلامی»: تحولی آموزشی در راستای پاسخگویی به نیازهای

بازار کار

علی شریفی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی

dralisharifi15@gmail.com

دانشگاه‌ها به عنوان موتور محرک پویایی اجتماعی و مراکز تعدیل‌گر افراط‌گرایی، نقشی حیاتی در تقویت آزادی، دموکراسی و پرورش شخصیت ایفا می‌کنند. این نهادها باید با ایجاد ارتباط وثیق با جامعه و درک نیازهای روزافزون آن، از جمله نیازهای بازار کار، به عنوان یک سازمان آینده‌دار و منبع پیشرفت عمل کنند. در دوران تحول آموزش عالی، تمرکز صرف بر تربیت مهندسان کافی نیست؛ نیاز مبرمی به متخصصان ماهر در علوم انسانی، اجتماعی، هنر و فرهنگ وجود دارد. این امر مستلزم نگاهی جامع به آموزش است که ضمن توجه به جنبه‌های اقتصادی و فناورانه (مانند توسعه فناوری)، مسائل اخلاقی و اجتماعی ناشی از رشد جامعه را نیز مد نظر قرار دهد. تحقیقات بنیادی و بلندمدت، در کنار پژوهش‌های کاربردی که مستقیماً با رشد اقتصادی پیوند دارند، نباید نادیده گرفته شوند. در کشورهای در حال توسعه، دانشگاه‌ها وظیفه دوگانه‌ای دارند: هم پاسخگویی به

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

نیازهای جامعه و هم حفظ برتری علمی. در این راستا، تحول در رشته علوم قرآن و حدیث، با توجه به نیازسنجی‌های نوین و مهارت‌های مورد نیاز در فضای پس از انقلاب اسلامی ایران، امری ضروری است. این تحول باید با هدف جلوگیری از اتلاف منابع و کاهش آسیب‌های ناشی از تولید فارغ‌التحصیلان فاقد مهارت‌های کافی و بیکار صورت پذیرد. با این حال، هرگونه دگرگونی در این حوزه نیازمند دانش عمیق، جامع‌نگری، دوری از ملاحظات گروهی و اتکا به مقبولیت علمی و دانشگاهی است، در غیر این صورت، پروژه‌های دستوری و فرمایشی به نتیجه مطلوب نخواهند رسید. این مقاله با بررسی لزوم ایجاد رشته «مترجمی متون اسلامی» به عنوان یک رویکرد میان‌رشته‌ای، در صدد است تا نشان دهد چگونه این تحول آموزشی می‌تواند به پاسخگویی مؤثرتر دانشگاه به نیازهای بازار کار کمک کرده و زمینه اشتغال پایدار فارغ‌التحصیلان را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: میان‌رشته‌ای، مترجمی متون اسلامی، آموزش عالی، اشتغال، علوم انسانی، علوم قرآن و حدیث.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

پیوند رشته علوم قرآن و حدیث و علم رسانه؛ ترمیم

فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان رشته علوم قرآن و حدیث

ابوذر پورمحمدی

استادیار دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان

a.poormohammadi@vru.ac.ir

قرآن کریم به مثابه یک رسانه است. هرچه از علم رسانه بیشتر بدانیم، شناخت بهتری نسبت به این جنبه قرآن پیدا می‌کنیم. مباحث علم رسانه بسیار گسترده هستند. مثلاً زبان رسانه، قصه‌گویی است (حتی در خبر و مستند و گفت‌وگو) و قرآن هم از این زبان بهره می‌برد و این ساختار را برای ارائه محتوا انتخاب کرده است. رسانه‌ای که قصه‌گو نباشد، دیگر رسانه نیست. بنابراین یکی از علومی که پیوند قرآن و رسانه را برقرار می‌کند، علم قصه‌پردازی قرآن است. علمی جذاب و کاربردی. کشف عناصر ادبی در داستان‌های کوتاه قرآن، تحلیل داستانی قصه‌های قرآن و در مراحل بعد اقتباس از داستان‌های قرآن برای نوشتن داستان کوتاه، رمان و فیلم‌نامه؛ در این رشته هنری قرآنی، تدریس می‌شود. این علم، زمینه را برای داستان‌نویسی و فیلم‌نامه‌نویسی دانشجویان مستعد فراهم می‌کند.

همچنین فیلم‌های سینمایی، سریال‌ها و برنامه‌های قرآنی بسیاری توسط رسانه‌های مختلف در سرتاسر دنیا ساخته می‌شود. این تولیدات رسانه‌ای نیاز به نقد و تحلیل و ارزیابی دارند. کارشناسانی که این تولیدات رسانه‌ای را ارزیابی می‌کنند، هم باید علم قصه‌پردازی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

قرآن را بدانند و هم سواد لازم و مهارت کافی برای تحلیل ساختاری این تولیدات را داشته باشند. در این زمینه رسانه با یک خلأ بزرگ مواجه است. متأسفانه در رشته علوم قرآن و حدیث هم هیچ واحدی برای جبران این کمبود پیش‌بینی نشده است. این علم و مهارت، زمینه اشتغال مناسبی را برای دانشجویان در مطبوعات، صدا و سیما و فضای مجازی ایجاد می‌کند.

یکی دیگر از زمینه‌های کار برای کارشناسان قرآنی، طراحی برنامه‌های قرآنی برای رسانه‌های مختلف است. نوشتن طرح مناسب برای برنامه‌های قرآنی نیاز به دانستن ساختارهای مختلف برنامه‌سازی یا تجربه کار در رسانه دارد. یکی از هنرهای قرآنی که جای کار بسیار در رسانه دارد، طراحی برنامه‌های قرآنی جذاب برای سنین مختلف، سلاقی مختلف در شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و پلتفرم‌ها است.

علم سواد رسانه‌ای علی‌رغم اهمیت بسیار، نه در دبیرستان درست تدریس می‌شود و نه در دانشگاه. لذا مدیران، دانشجویان و اساتید کمی، تفکر و سواد رسانه‌ای دارند. تفکر و سواد رسانه‌ای برای یادگیری تمامی هنرها و مهارت‌های قرآنی، حالتی بنیادین دارد. لذا برای تحوّل در تدریس، پژوهش و اشتغال در رشته گرانقدر علوم قرآن و حدیث، دروس پیشنهادی رشته هنرهای قرآنی با تأکید بر علم رسانه تقدیم می‌شود:

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

	دروس	تعداد واحد	توضیحات
1	ارتباط‌شناسی	2 واحد نظری	یکی از مبانی فهم علم رسانه، دانستن علم ارتباط‌شناسی است.
2	رسانه‌شناسی	2 واحد نظری	«قرآن و رسانه» یک علم میان‌رشته‌ای است. دانستن علم رسانه حداقل به مقدار دو واحد ضروری است.
3	علم قصه‌پردازی در قرآن	3 واحد نظری	ساختار زبان رسانه، قصه‌گویی است. ساختار زبان قرآن هم قصه‌گویی است. بنابراین دانستن این علم بسیار ضروری است.
4	تحلیل محتوای رسانه 1	4 واحد عملی	نقد و بررسی فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های قرآنی
5	تحلیل محتوای رسانه 2	4 واحد عملی	نقد و بررسی فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های قرآنی
6	داستان‌نویسی 1	4 واحد عملی	اقتباس داستان کوتاه از قصه‌های قرآن
7	داستان‌نویسی 2	4 واحد عملی	اقتباس رمان از قصه‌های قرآن
8	فیلم‌نامه‌نویسی 1	4 واحد عملی	اقتباس فیلم‌نامه کوتاه از قصه‌های قرآن
9	فیلم‌نامه‌نویسی 2	4 واحد عملی	اقتباس فیلم‌نامه بلند از قصه‌های قرآن
10	طراحی برنامه‌های	4 واحد عملی	آشنایی با ساختارهای مختلف برنامه‌سازی و طراحی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

یک برنامه قرآنی برای رسانه		رسانه	
----------------------------	--	-------	--

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

آینده پژوهی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

جایگاه آینده پژوهی در سنت اسلامی

زهره اخوان مقدم

دانشیار دانشکده علوم قرآنی تهران، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

Akhavan.mo@quran.ac.ir

شناخت رویدادهای آینده مورد توجه مردم و دانشمندان بوده و هست. برای انسان به سه دلیل، آینده مهم است: دلیل اول ساختار وجودی و کنجکاوی که در فطرت اوست؛ دلیل دوم جلوگیری از خطرات و و میل به بقا؛ و دلیل سوم تجربه انسان که موفقیت خود را تا حد زیادی وابسته به شناخت آینده می‌داند. آینده‌پژوهی دانشی است که بر اساس پاسخگویی به نیاز بشر شکل گرفته و در عصر کنونی جایگاه مهمی پیدا کرده و وارد همه عرصه‌های زندگی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شده‌است. اشتیاق بشر همواره برای دانستن آینده از قدیم الایام وجود داشته و پیشگویان و کاهنان، نمونه کسانی هستند که از همین نیاز استفاده کرده و اشتیاق مردم را برای دانستن آینده پاسخ داده‌اند.

آینده‌پژوهی ابزار مهم و کاربردی برای پیش‌بینی روند تغییرات و برآورد تهدیدها و فرصت‌ها است تا این امکان را فراهم کند که با استفاده از داده‌های موجود و الگوهای تحلیلی، پیش‌بینی آینده محقق شود. روش‌های آینده‌پژوهی کمک می‌کند تا با چالش‌ها و اتفاقاتی که پیش روی ما هستند آشنا شویم و به سمت اهداف مطلوب حرکت کنیم. آینده‌پژوهی انسان را یاری می‌نماید تا با آمادگی بیشتر و نگرش فعال به سمت آینده برود.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

آینده پژوهان با تحلیل روندهای موجود و نیروها و امکانات، چندین سناریو احتمالی طراحی می‌کنند تا برای تصمیم‌گیری بهتری یکی انتخاب شود. آنها بدین وسیله ابزاری اساسی برای تاب آوری و انعطاف‌پذیری در برابر ناپایداری‌ها و ابهامات آینده ایجاد می‌کنند.

برآیند آینده‌پژوهی با روش‌های متعدد کمک می‌کند تا انسان با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، فرصت مناسب برای پاسخ به چالش‌های آینده را داشته باشد، تهدیدها و مشکلات را برطرف کند، و چه بسا تبدیل به فرصت نماید. آینده‌پژوهی مخصوص افراد و جوامعی است که به دنبال آینده‌ای روشن، پایدار و موفق هستند. نیز به انسان فرصت می‌دهد تا به جای واکنش‌های تند و عکس‌العمل‌های نامناسب در مقابل اتفاقات و تغییرات ناگهانی، از قبل منتظر وقوع آنها باشد و عکس‌العمل مناسب را انجام دهد.

مهم‌ترین روش آینده‌پژوهی «سناریوپردازی» است؛ چنانچه درباره علت پیروزی‌های ناپلئون پیش‌بینی‌های او را تا صد سناریو بیان کرده‌اند. جستجوی سناریوهای ممکن بدون توجه به اینکه کدام انجام می‌شود یا واقع نمی‌شود، آمادگی برای مواجهه با تغییرات را به‌بار خواهد آورد. فایده دیگر آینده‌پژوهی آن است که به جای پذیرش وضع موجود، برنامه‌هایی برای آینده مثبت تدوین شود و انسان فاعل باشد نه منفعل. آینده‌پژوهی به این دلیل ضرورت دارد که تغییرات پرشتاب هستند و فناوری‌های پیشرفته بر همه جنبه‌های زندگی تاثیر می‌گذارند. آینده اساساً دارای عدم قطعیت است اما این عدم قطعیت نباید توجیه «دوراندیشی نکردن» انسان باشد.

رویکردهای مختلفی در آینده‌پژوهی وجود دارد که دقیق‌ترین و عمیق‌ترین آنها

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

متعلق به قرآن کریم است. تفاوت پیش‌گویی‌های قرآن با پیش‌گویی‌های دیگران در قطعیت آن است و آینده‌پژوهی قرآنی از هر گونه احتمال مبرا است، چون از منبع وحی و خالق جهان سرچشمه گرفته و لذا قطعاً اتفاق می‌افتد. آینده وعده داده شده در قرآن در آیات 105 انبیا و پنجم قصص حیرت‌انگیز است، در حالی که احتمال‌های انسانی به سمت نابودی جهان توسط بمب اتم پیش‌بینی می‌شود. خداوند تصریح می‌کند که صالحان مالک دنیا می‌شوند. صالح کسی است که سبک زندگی او کاملاً منطبق با هدف خلقت است یعنی رسیدن به مقام خلافت الهی. این مقام نزد کسی نیست جز امام زمان (عج). آیه ناظر بر ارث بردن زمین نیز نشان می‌دهد زمین در مالکیت دیگران است ولی به صالحان ارث می‌رسد. توضیح آن که اکنون جبهه باطل مالک زمین است ولی در آینده این جبهه نابود شده و کره زمین با تمام منابع و سرمایه‌هایش در اختیار صالحان و جبهه حق قرار می‌گیرد. مستکبران و جاه طلبان و ظالمان در آینده دنیا سهمی ندارند و در مقابل اراده خدا مقهور می‌شوند. این نویدها کافی است تا قلب مومنان پر از اطمینان و یقین به آینده شود.

پیشنهاها:

- ایجاد یک مجله پژوهشی با عنوان مطالعات آینده‌پژوهی.
- طرح دو واحد درسی با عنوان «آینده‌پژوهی» در مقطع کارشناسی، با تاکید بر شناخت امام زمان (عج)
- طرح چهار واحد درسی با عنوان «آینده‌پژوهی در قرآن و حدیث» در مقطع ارشد، با تاکید بر شناخت آینده جهان و امام زمان (عج)
- تهیه درسنامه‌های مختلف به دو شکل. اول: تلخیص و آسان‌سازی کتب بزرگان شیعه

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

برای استفاده دانشجویان. دوم: تالیف درسنامه‌های جدید در حوزه آینده‌پژوهی
مکتب شیعه.

- برگزاری همایش‌های بین‌المللی در موضوع آینده‌پژوهی دین اسلام.
- اقدام به ترجمه آثار شیعی در این زمینه به زبان‌های مختلف.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تحولات جهانی و منطقه‌ای و آینده‌پژوهی مطالعات

قرآن و حدیث

مهدی مطیع

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه اصفهان

m.motia@ltr.ui.ac.ir

تحولات جهانی و منطقه‌ای در دهه اخیر، ضرورت بازاندیشی در حوزه مطالعات قرآن و حدیث را بیش از پیش آشکار ساخته است. این تحولات، مدیریت تغییر را به یک نیاز بنیادین بدل کرده‌اند؛ چرا که ابزارهای نوین همچون هوش مصنوعی، ربات‌ها، شبکه‌های اینترنتی و بازی‌های دیجیتال، نه تنها سبک زندگی و ارتباطات انسانی را دگرگون کرده‌اند، بلکه بر شیوه‌های فهم و تفسیر متون دینی نیز اثر گذارند.

در چنین شرایطی، نوع نگرش پژوهشگران باید از الگوهای سنتی فاصله گرفته و به سمت رویکردی گزینشی، کاربردی، چابک و مبتنی بر حل مسئله حرکت کند. فردگرایی علمی، جایگزین جمع‌گرایی سنتی شده و سکولاریسم علمی، به عنوان رویکردی واقع‌گرایانه در برابر معناگرایی صرف، اهمیت یافته است. این تغییر نگرش، امکان پاسخ‌گویی به نیازهای نوین جامعه و نسل‌های آینده را فراهم می‌سازد.

پیشنهادهای کلیدی برای مواجهه با این شرایط عبارت‌اند از: نخست، مدل‌سازی خوانش جدید و به‌روز از متون دینی همراه با تقویت ذهن انتقادی و پاسخ‌گویی علمی.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

دوم، گذار از توسعه فردی به هژمونی جمعی از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی و تعاملات گسترده میان پژوهشگران و نهادهای علمی. سوم، معنابخشی دوباره به متون و مفاهیم دینی در بستر تحولات اجتماعی و فناورانه، به گونه‌ای که ارتباط میان سنت و نوآوری حفظ شود. بدین ترتیب، آینده‌پژوهی در مطالعات قرآن و حدیث نه تنها ضرورتی علمی، بلکه راهبردی فرهنگی و اجتماعی است که می‌تواند مسیر تحول و پویایی این حوزه را در جهان معاصر ترسیم کند.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

ارائه چارچوب فهم آینده‌نگر قرآن کریم بر پایه روش‌های

آینده‌پژوهی: رویکردی نو در آموزش علوم قرآن و حدیث

رضوانه دستجانی فراهانی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک

r.dastjanifarahani@araku.ac.ir

انسان امروزی، سال‌های آغازین هزارهٔ سوم را در حالی تجربه می‌کند که با جهانی بی‌ثبات، غیرقطعی، پیچیده و مبهم مواجه است. اگرچه گسترهٔ علم و فناوری انسان معاصر با گذشته قابل مقایسه نیست، توانایی جامعه برای رویارویی با آینده همچنان ضعیف است. تغییرات سریع فناوری، تحولات فرهنگی، مسائل اخلاقی جدید و مسائلی از این دست، ضرورت بازاندیشی در شیوه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی را آشکار می‌سازند. قرآن کریم کتاب هدایت و فرآیند تغییر است و به عنوان منبع اصلی رشد و هدایت انسانها، در زمینه‌های مختلف زیست انسانی، آموزه‌های بنیادینی دارد. مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان این آموزه‌ها را در شرایط پیچیده و آینده‌محور امروز به گونه‌ای کاربردی کرد که نه تنها برای نسل حاضر، بلکه برای نسل‌های آینده نیز راهگشا باشد. اینجاست که آینده‌پژوهی به عنوان دانشی میان‌رشته‌ای وارد می‌شود و می‌تواند ابزارهایی فراهم آورد تا آموزه‌های قرآنی در قالب راهکارهای عملی برای آینده به کار گرفته شوند.

آینده‌پژوهی مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که با استفاده از تجزیه و تحلیل

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازند. آینده‌پژوهی این موضوع را منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. این دانش، معرفتی است که چشم خرد مردم را به سوی رویدادها، فرصت‌ها و خطرهای احتمالی در آینده باز نگه می‌دارد و ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های فرساینده ملت‌ها را می‌کاهد. توانایی انتخاب‌های هوشمندانه جامعه و مردم را افزایش می‌دهد؛ به دولت‌ها و مدیران اجازه می‌دهد که بدانند به کجاها می‌توانند بروند و به کجاها باید بروند و از چه مسیرهایی می‌توانند با سهولت بیشتری به آینده مطلوب خود برسند. به عبارت دیگر، آینده‌پژوهی دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده، به شیوه‌ای آگاهانه فعالی و پیش‌دستانه است. صاحب‌نظران معتقدند در حوزه مطالعات آینده ما چند موج را سپری کرده‌ایم و دنیای امروز نیازمند موج جدیدی است. موجی که در آن آینده‌پژوهی بتواند در تمامی حوزه‌های مختلفی که ادعای کارکرد در آن‌ها را دارد، یاری برساند و پا را از کشف و پیش‌بینی آینده فراتر نهد و به مهندسی هوشمندانه آینده همت گمارد؛ به عبارت دیگر آینده‌پژوهی، علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا باشد. مطالعات قرآنی می‌تواند این موج جدید را بیافریند. قرآن کریم این بینش را پیش روی انسان قرار می‌دهد که نه تنها برای مهار آینده کوشش کند — به این معنا که نه تنها خود را با آنچه (گمان می‌کند) روی خواهد داد، سازگار کند و از این راه برای رویارویی با آینده مهیا شود — بلکه بر آن است با به تصویر کشیدن و پیش‌رو قرار دادن موقعیت‌های مختلف زندگی در نمونه توصیفات از انواع انسان (کافر، منافق، مومن و...)، توصیفات عاقبت انسان‌ها در قیامت، قصص و... آینده خود را رقم بزند. در این عرصه دانشی به نظر می‌رسد مطالعات قرآنی به دو دلیل باید مدنظر باشد: علوم انسانی آینده‌نگار

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

بدون توجه به قرآن ابر است. حوزه آینده‌پژوهی نیز چون در ذیل مطالعات علوم انسانی قرار می‌گیرد، نیازمند مطالعات قرآنی است؛ از سوی دیگر روش‌شناسی قرآن و روایت در تصویرپردازی از آینده بسیار مهم است و فهم آن می‌تواند در ساخت روش‌های آینده‌نگرانه قرآن‌بنیان مؤثر باشد.

جامعه دانشگاهی به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید دانش و تربیت نیروی انسانی، نقشی کلیدی در این فرآیند دارد. دانشجویان امروز، مدیران، سیاست‌گذاران و اندیشمندان فردا هستند. اگر این گروه بتوانند آموزه‌های قرآنی را به عنوان راهنمایی برای مواجهه با آینده درک کنند، آنگاه ارزش‌های دینی در سطحی عمیق‌تر و پایدارتر نهادینه خواهند شد. اما مشکل اینجاست که در بسیاری از موارد، آموزش‌های دینی در دانشگاه‌ها به صورت سنتی و غیرکاربردی ارائه می‌شوند. دانشجویان احساس می‌کنند این آموزه‌ها ارتباطی با مسائل واقعی زندگی و آینده آنان ندارند. این شکاف میان آموزه‌های دینی و نیازهای آینده، یکی از مسائل اساسی است که باید حل شود.

آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری به عنوان دانشی نوین، ابزارهایی مانند تحلیل روندها، تحلیل عدم قطعیت‌ها، سناریونویسی، چشم اندازسازی، آینده‌نگاری مشارکتی و... را در اختیار دارد. این ابزارها می‌توانند به دانشجویان کمک کنند تا آینده‌های ممکن، محتمل، و مطلوب را تصور کنند و برای هر یک راهکارهایی بیابند. اگر این ابزارها با آموزه‌های قرآنی ترکیب شوند، دانشجویان خواهند دید که قرآن نه تنها برای گذشته، بلکه برای آینده نیز سخن دارد.

یکی از مشکلات اساسی در این زمینه، نبود چارچوب‌های آموزشی مشخص است.

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

بسیاری از دانشگاه‌ها برنامه‌ای برای تلفیق آینده‌پژوهی و آموزه‌های قرآنی ندارند. واحدهای درسی به گونه‌ای تعریف شده‌اند که ارتباطی با آینده‌پژوهی ندارند. از سوی دیگر، آموزش‌های آینده‌پژوهی نیز معمولاً در رشته‌های خاصی مانند مدیریت یا علوم اجتماعی ارائه می‌شوند و ارتباطی با آموزه‌های دینی ندارند. این جدایی میان دو حوزه، باعث می‌شود دانشجویان نتوانند ارتباط میان آموزه‌های قرآنی و آینده‌پژوهی را درک کنند. بنابراین، یکی از مسائل اصلی این پژوهش، طراحی چارچوبی آموزشی است که بتواند این دو حوزه را به هم پیوند دهد. از طرف دیگر، ممکن است برخی از افراد تلفیق آینده‌پژوهی و آموزه‌های قرآنی را غیرضروری یا حتی ناممکن بدانند و بر این نظر باشند قرآن نیازی به ابزارهای علمی ندارد و خود به تنهایی کافی است. در مقابل، برخی دیگر ممکن است آینده‌پژوهی را علمی سکولار بدانند که ارتباطی با آموزه‌های دینی ندارد.

بر این اساس مسئله اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان بین آموزه‌های قرآنی و آینده‌پژوهی ارتباط برقرار نموده و به‌طور خاص از روش‌های آینده‌پژوهی به منظور فهم و نهادینه‌سازی آموزه‌های قرآن کریم استفاده کرد. این مسئله ابعاد مختلفی دارد و نیازمند طراحی چارچوبی است تا بتواند این ابعاد را به یکدیگر پیوند زند: نخست، بعد نظری و ارائه مدل مفهومی که به بررسی امکان و چگونگی تلفیق آینده‌پژوهی و آموزه‌های قرآنی می‌پردازد؛ دوم، بعد عملی که به بازطراحی دروس،^۲ طراحی پروژه‌ها و

۲- به عنوان نمونه می‌توان در رشته علوم قرآن و حدیث، واحد و طرحی درسی را ارائه نمود که در آن دانشجویان روندهای کلان جهانی را بررسی کنند و آموزه‌های قرآنی مرتبط با این روندها را استخراج کنند. سپس سناریوهایی طراحی کنند که نشان دهد اگر جامعه به آموزه‌های قرآنی توجه کند چه آینده‌ای خواهد داشت، و اگر بی‌توجه باشد چه پیامدهایی رخ خواهد داد. این تجربه عملی باعث می‌شود دانشجویان آموزه‌های قرآنی را به صورت زنده و کاربردی

نخستین هم‌اندیشی ملی استادان علوم قرآن و حدیث

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها مربوط می‌شود تا بر این اساس دانشجویان بتوانند با استفاده از ابزارها و روش‌های آینده‌پژوهی آموزه‌های قرآنی را به استنتاج درآورند؛ و سوم، بعد اجتماعی که به تأثیر این رویکرد بر جامعه و چگونگی نهادینه‌سازی آموزه‌های قرآنی در سطح جامعه به منظور طراحی آینده مطلوب و توانمندی مواجهه با چالش‌های آینده اشاره دارد.

درک کنند. حتی می‌توان این روش را در دروسی چون مقایسه قصص در قرآن و عهدین یا روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم پیاده نمود.